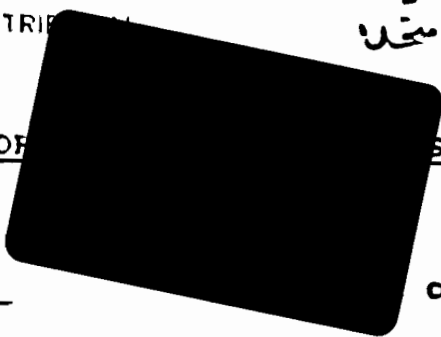


OF \_\_\_\_\_ SAFE



Case No. 255

of filing: 5-8-85

\*\* AWARD - Type of Award Final  
- Date of Award 26-4-85  
\_\_\_\_\_ pages in English 52 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

## IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

## دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

## AWARD

Case No: 255  
Chamber Three

بیرونده شماره ۲۵۵

شعبه سه

حکم شماره ۱۷۶-۲۵۵-۳

English version

Filed on 26 APRIL 85

نسخه انگلیسی در تارخ

ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ	
ثبت شد - FILED		
Date	5 AUG 1985	تاریخ
	۱۳۶۴ / ۵ / ۱۴	
No.	255	شماره

دیک آودلهور، اینکورپوریتد،

آندر هیل آودلهور، اینکورپوریتد،

خواهانها،

- و -

شرکت نوسازی و عمران تهران،

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانندگان .

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

حکم

حاضران :

از جانب خواهانها : آقای فرنک فلن ،

نایب رئیس دیک آودلهور، اینکورپوریتد

آقای حمیدصبی،

آقای کندال ، مهیر

خانم فرخنده صبی

آقای دی . رابرتز،

آقای ال . هاپمنز،

وکلای خواهانها ،

خانم ج.ها روی،

دستیار

از جانب خوانندگان : آقای محمدکریم اشراق،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران

آقای نعمت الله مختاری،

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای یوسف مولائی،

آقای منصور معظمی،

آقای محمدحسین مفرزاده،

نمایندگان شرکت نوسازی و عمران تهران

آقای جان کروک،

سایر حاضران :

نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا

آقای جان رینولدز،

مشاور حقوقی نماینده رابط

### بخش اول - تاریخچه شکلی پرونده

خواهانها ، دیک آودله ور ، اینکورپوریتد ("دیک") و آندر هیل آودله ور ، اینکورپوریتد ("آندر هیل") (ویا مجموعاً "خواهانها") در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۴ دیماه ۱۳۶۰) دادخواستی علیه شرکت نوسازی و عمران تهران ("عمران تهران") و دولت جمهوری اسلامی ایران ("دولت") به ثبت رساندند. عمران تهران و دولت گاهی اوقات بجای یکدیگر نام برده شده و یا مجموعاً "ویا منفرداً" بعنوان "خواندگان" نامیده خواهند شد. ادعای مطروح علیه عمران تهران بابت وجوهی است که حساب ادعا به موجب چهار قرار داد منعقد بین دوم ژوئیه ۱۹۷۵ و نهم سپتامبر ۱۹۷۷ (۱۱ تیرماه ۱۳۵۴ و ۱۸ شهریورماه ۱۳۵۶) در مورد احداث یک مجتمع عظیم آپارتمانی پیش ساخته بتونی موسوم به پروژه شهرسازی اکباتان در منطقه غرب تهران ("پروژه اکباتان") واجب الادا بوده است. دادخواست ضمن نام بردن از خواندگان ، حاوی این توضیح بود که منظور از دولت ، بنیاد مستضعفان ، بانک مرکزی و وزارت مسکن نیز هست. مع هذا ، در دادخواست ادعای مشخصی نه علیه دولت و نه علیه هیچ یک از تقسیمات فرعی و یا سازمان ادعائی آن ، سوای ادعای مطروح علیه عمران تهران ، مطرح نشده بود.

دادخواست شامل درخواستی بود جهت صدور قرار موقت جزئی، و در ۱۵ آوریل ۱۹۸۲ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۱) خواهانها تذکاریه ای در تاء بید آن تسلیم نمودند. دیوان ، طی تصمیم مورخ ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) خود، بر این اساس که دلایل کافی در تاء بید "ضرورت صدور چنین قرار موقتی طبق مفهوم ماده ۲۶ قواعد دیوان" ارائه نشده ، درخواست مزبور را رد کرد.

در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۱) لوائح دفاعیه ای توسط وزارت مسکن و شهرسازی ، بنیاد مستضعفان ، بانک مرکزی ، دولت و عمران تهران ثبت گردید. عمران تهران ، در همان تاریخ دادخواست متقابلی نیز ثبت و استرداد وجوه پرداختی به خواهانها ، خسارات ناشی از نقایص ادعائی در کار انجام شده توسط خواهانها ، مبلغی که حسب ادعا به موجب یک ضمانت حسن انجام کار بابت وجه التزام واجب الادا بوده و بهر و

هزینه‌ها را مطالبه نمود. در تاریخ اول دسامبر ۱۹۸۲ (۱۰ آذر ماه ۱۳۶۱)، دولت لایحه دفاعیه دیگری به ثبت رساند. در ۲۸ دسامبر ۱۹۸۲ (۷ دی ماه ۱۳۶۱)، عمران تهران دفاعیه تکمیلی و دادخواست متقابلی را ثبت نمود. دیک و آندرهیل در ۸ آوریل ۱۹۸۳ (۱۹ فروردین ماه ۱۳۶۲) پاسخ خود به ادعای متقابل عمران تهران را ثبت کردند.

در چهارم آوریل ۱۹۸۳ (۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۲)، خواهانهایک لایحه استماع مقدماتی به ثبت رسانده و در ۲۲ آوریل ۱۹۸۳ (دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) جلسه استماع مقدماتی برگزار شد.

دیوان، طی دستور مورخ ۶ مه ۱۹۸۳ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) خود به طرفین دستور داد که تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۴ تیر ماه ۱۳۶۲) کلیه مدارک و لوایحی را که مایلند به آن استناد کنند، و تا اول اکتبر ۱۹۸۳ (نهم مهر ماه ۱۳۶۲) کلیه مدارک یا لوایح معارض را، به ثبت رسانند. روز دوم نوامبر ۱۹۸۳ (۱۱ آبان ماه ۱۳۶۲) برای برگزاری جلسه استماع تعیین گردید و دیوان داوری طی دستور ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۳ (سوم مرداد ماه ۱۳۶۲) مهلت اولیه ثبت مدارک و لوایح را تا ۴ اوت ۱۹۸۳ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۲) تمدید کرد.

در اول اوت ۱۹۸۳ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۶۲) خواهانها لایحه استماع خود را تسلیم نمودند. در چهارم اوت ۱۹۸۳ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۲) بنیاد مستضعفان پاسخ به جوابیه خواهان و دولت لایحه‌ای را، به ثبت رساندند. در همان تاریخ، عمران تهران نیز متن فارسی لایحه استماع خود را ثبت کرد. متن انگلیسی لایحه استماع، همراه با ضامیم، در دوم سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲) به ثبت رسید. عمران تهران در این سند، ادعاهای متقابل جدیدی بابت وجه التزام، استرداد مدارک و اسناد و بازپرداخت مبالغ دیگر مطرح نمود. علاوه، در پنجم سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۴ شهریور ماه ۱۳۶۲) خواهانها لایحه‌ای در پاسخ به لایحه دولت ثبت نمودند.

در ششم اکتبر ۱۹۸۳ (۱۴ مهر ماه ۱۳۶۲)، عمران تهران مدارک و لایحه معارض خود را تسلیم کرد. خواهانها نیز یک لایحه تکمیلی استماع در هفتم اکتبر (۱۵ مهر ماه) به ثبت رساندند.

استماع پرونده در دوم نوامبر ۱۹۸۳ (۱۱ آبان ماه ۱۳۶۲) با شرکت خواهانها، دولت و عمران تهران برگزار شد و ضمن آن طرفین ادله و مدارک و استدلالات خود را شفاها " و کتبا " ارائه نمودند. طبق بنده ماده ۱۳ قواعد دیوان، یکی از داوران که پس از استماع ماهی پرونده استعفا کرده بود، در صورت حکم حاضر شرکت جست .

### بخش دوم - سابقه دعوی

شرکت نوسازی و عمران تهران مدتی پیش از سال ۱۹۷۵، تشکیل شد تا تعداد کثیری آپارتمان با قیمت معقول و در مدتی کوتاه، بسازد. قرار بود نهایتاً " ۱۴،۰۰۰ واحد مسکونی در ۳۳ بلوک ساختمانی ظرف چند سال ساخته شده و شهرک مدرنی برای ۷۵۰۰۰ نفر سکنه تحت عنوان پروژه اکباتان ایجاد شود.

در تاریخ دوم ژوئیه ۱۹۷۵ (۱۱ تیر ماه ۱۳۵۴)، دیک، آندرهیل، و استارت واکن .اس. آ. ("استارت") (خواهانها و استارت گاهی اوقات مجموعاً "پییمانکاران" نامیده می شوند) قراردادی (قرارداد مرحله اول یا موافقت نامه مرحله اول) با عمران تهران در رابطه با ایجاد واحدها اسکلت بتونی برای حدود ۴۰۰۰ دستگاه آپارتمان در هشت بلوک ساختمانی، شامل مرحله اول پروژه خانه سازی منعقد ساختند. در قرارداد، دیک، آندرهیل و استارت، هر کدام به طور جداگانه مورد اشاره واقع و به هر یک تعهدات مجزائی واگذار و همچنین درصد (پورسانت) معینی از حق الزحمه، برای هر یک تعیین شده است .

قرارداد مرحله اول مقرر می داشت که دیک در رابطه با پی ها و اسکلت بتونی کار ساختمان منتهای نمای پیش ساخته بتونی، "کمک، مشاوره و دانش فنی" ارائه نماید و آندرهیل عهده دار ارائه کمک، مشاوره و دانش فنی در رابطه با نمای پیش ساخته بتونی باشد، قرار بود، که هر دو، تحت "نظارت استارت عمل کنند که" مدیریت کلی ساختمان پروژه "

و بعلاوه، ضمن امور دیگر، نقش هماهنگ کردن، نظارت، راه اندازی یا تجهیز کار ساختمانی (mobilization)

بررسی اطلاعات و نقشه‌های فنی و کمک و راهنمایی در زمینه مدیریت و هماهنگ کردن کار را برعهده داشت. قرار بود عمران تهران نقشه‌ها و مشخصات معماری و سازه‌ای ("ویا نقشه‌ها و مشخصات") را، ارائه نماید. شرکت نامبرده همچنین، مسئول خرید مواد و مصالح و تجهیزات و تاء مین کارگر بود. خلاصه اینکه عمران تهران را، "سا" به عنوان آرشیو و پیمانکار عمومی خود عمل می‌کرد. طبق قرارداد، کار می‌بایست ظرف مدت مشخصی تکمیل میشد. عمران تهران تضمین کرده بود که وجوه لازم جهت تاء مین هزینه‌های پروژه را داشته و خواهد داشت، پرداختها را طبق قرارداد صورت خواهد داد، مصالح و کارگر ایرانی لازم را در محل کار داشته و تاء مین خواهد کرد، و نیز اطمینان داده بود که جوازهای دولتی لازم را تحصیل کرده است. بعلاوه، آماده نمودن آپارتمانها جهت سکونت نیز، در حیطه مسئولیت عمران تهران قرار داشت.

در قرارداد، درصدهای مربوطه اجرت قابل پرداخت به پیمانکاران مشخص شده بود. قرار بود دیک ۳/۵۲۵ درصد "هزینه کار"، آندر هیل ۲/۵۲۵ درصد و استارت ۴/۹۵ درصد آنرا دریافت کند. طبق تعریف عبارت "هزینه کار" در قسمت شرایط عمومی قرارداد، این اصطلاح شامل "کلیه اقلام هزینه و مخارجی می‌شود که مستقیماً در جریان اجرای کار مصرف می‌گردد". اقلام خاص تشکیل دهنده "هزینه کار" یک به یک شمرده شده بود. قرار بود برخی از اقلام "هزینه کار" در محاسبه حق الزحمه پیمانکاران منظور نشود. عمران تهران ملزم بود کلیه سوابق و مدارک لازم جهت تعیین میزان هزینه کار متحمل در هر مسأله را، در اختیار پیمانکاران قرار دهد. طرفین مقرر نموده بودند که به پرداختها می‌بایست به صورت انجام نشود ۸ درصد بهره در سال تعلق گیرد. پرداختها می‌بایست به طور ماهانه صورت گرفته و تابع جرح و تعدیلهای باشد که احیاناً "بعدا" ضروری تشخیص داده می‌شد. در سال ۱۹۲۶، درخواستهای پیمانکاران جهت پرداخت، حاوی روش دیگری جهت احتساب حق الزحمه‌های ماهانه، موسوم به "ریزاقلام پرداختها"، بود. طبق این روش، کل هزینه ساختمان برآورد گردیده و برآن اساس مبلغ ۸۰ دلار برای هر متر مربع تکمیل شده ساختمان تعیین گردید.

پیمانکاران و عمران تهران هر ماه مشترکا " درصدکارانجام شده را تعیین می نمودند و درصد مزبور پایه درخواستهای ماهانه پیمانکاران جهت پرداخت حق الزحمه قرار می گرفت . قرار بود پس از گواهی اتمام کار (یا ۹۷ درصد کار) توسط پیمانکاران، دفاتر عمران تهران حسابرسی شود تا هزینه واقعی کار محاسبه و هرگونه تعدیل ضروری در هنگام پرداخت نهائی ، صورت پذیرد .

طبق قرارداد، استارت می بایست یک تضمین بانکی، به مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار<sup>(۱)</sup> در رابطه با وجوه تودیمی توسط عمران تهران جهت تجهیز پروژه ، و نیز وجه الضمانی به مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار بابت خسارات احتمالی پیش بینی شده در قرارداد تا آن میزان (وجه التزام) در اختیار عمران تهران قرار دهد . قرار بود عمران تهران مبلغ ۲,۵۰۰,۰۰۰ دلار به عنوان تضمین پرداخت حق الزحمه در اختیار پیمانکاران قرار دهد . در نوامبر ۱۹۷۵، طرفین طی توافق ضمانت نامه بانکی و وجه الضمان را آزاد کردند .

دیک ، آندره هیل و استارت ، همچنین توسط عمران تهران ماء مور شدند که کار مشابهی را در مراحل بعدی پروژه اکیاتان انجام دهند . قراردادی برای مرحله دوم متضمن ۶۰۰ واحد در نوزده دستگاه ساختمان با طرحی اندک متفاوت ، در اول اکتبر ۱۹۷۶ (نهم مهر ماه ۱۳۵۵) (قرارداد مرحله دوم یا موافقت نامه مرحله دوم) امضاء شد . شروط این قرارداد اساسا " مشابه قرارداد اصلی بود ، لیکن میزان حق الزحمه ها به ۲/۴۸۴ درصد هزینه کار برای دیک ۱/۷۷۸ درصد برای آندره هیل و ۳/۴۸۸ درصد برای استارت کاهش داده شد . به شرط پرداخت بموقع اجرت توسط عمران تهران یعنی ظرف ۱۰ روز آخر هر ماه ایرانی ، ۱۰ درصد تخفیف اضافی نیز در نظر گرفته شده بود . قرار بود میزان این پرداختهای علی الحساب ، طبق روشی بنام به ریز اقلام پرداختها ، بر مبنای در صدی از هزینه های گه صحیحا " انجام

---

(۱) در سراسر متن مقصود از دلار، دلار آمریکا است .



شده، تعیین شود. بابت هر متر مربع کار تکمیل شده، رقم ۸۰ دلار تعیین شد. نرخ بهره صورت حسابهای که در موعد خود پرداخت نمی شد در صورت بروز هرگونه اختلاف احتمالی، به توافق طرفین واگذار شده بود. کار ساختمان نیز می بایست ظرف مدت مشخصی خاتمه می یافت.

موافقت نامه دیگری تحت عنوان موافقت نامه مرحله یک ( الف ) یا قرارداد مرحله یک ( الف ) در اول اکتبر ۱۹۷۶ (نهم مهرماه ۱۳۵۵) امضاء شد. این موافقت نامه متضمن احداث ساختمان های جدیدی در ارتباط با مرحله اول بود. در صد حق الزحمه ها همان در صد های مقرر برای مرحله دوم در نظر گرفته شد. نرخ بهره مبالغ پرداخت نشده، به تصمیم طرفین موکول گردید.

همچنین، یک موافقت نامه تخفیف (Credit Agreement) در تاریخ اول اکتبر ۱۹۷۶ (نهم مهرماه ۱۳۵۵) امضاء شد که به موجب آن پیمانکاران موافقت کردند که بابت حق الزحمه های متعلقه بابت کار انجام شده در مورد قرارداد مرحله یک و دو، پس از اول اکتبر ۱۹۷۶ ( ۹ مهرماه ۱۳۵۵ )، کلاً " ۲,۰۰۰,۰۰۰/- دلار تخفیف قائل شوند. قرار بود این تخفیف طی هشت فقره تخفیف ۲۲۲,۰۰۰ دلاری سه ماهه و یک فقره تخفیف نهائی به میزان ۲۲۴,۰۰۰ دلار از کل حق الزحمه های استحقاقی در پایان مراحل اول و دوم، داده شود. این موافقت نامه تخفیف جایگزین موافقت نامه قبلی مربوط به کاهش ۲,۰۰۰,۰۰۰ از حق الزحمه ها شد.

شرایط هر سه قرارداد در مورد دامنه کار و حدود وظایف و تعهدات پیمانکاران و مهندسین تهران، تقریباً " یکسان است. فقط جنبه های مالی که در بالا اشاره شد متفاوتند.

این موضوع نیز مورد بحث است که آیا طرفین موافقت نامه چهارمی را در رابطه با مرحله سوم پروژه اکباتان منعقد ساختند یا نه (رجوع شود به قسمت چهارم ب (۱) زیر).

کار ساختمان در تمام مراحل ادامه یافت و تا اواخر سال ۱۹۷۷، عمران تهران حق الزحمه ها را بر اساس تقاضای ماهانه تسلیمی توسط پیمانکاران پرداخت کرد. لکن، هیچ

حق الزحمه‌ای بابت مرحله سوم طرح پرداخت نشد. کارحتی پس از آن تاریخ نیز ادامه یافت.

در ۲۰ فوریه ۱۹۷۸ (اول اسفندماه ۱۳۵۶)، عمران تهران دستور داد که تمامی کارکنان خارجی مرحله سوم از پروژه برکنار شوند و در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۸ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۷) به پیمانکاران دستور داده شد که به خدمت ۵ درصد مابقی کارکنان پروژه خاتمه دهند. مدت کوتاهی پس از امضای موافقت نامه‌ای با عمران تهران در دهم ژوئن ۱۹۷۸ (۲۰ خردادماه ۱۳۵۷) که در قسمتی از آن پیش بینی شده بود که کارگران و کارمندان برکنار شوند، به خدمت تمامی کارکنان خاتمه داده شد.

در ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷)، استارت یک سند انتقال حقوق به نفع دیکو آندرهیل امضاء و به موجب آن اعلام کرد که

"کلیه حقوق، عناوین و علائق مربوطه خود نسبت به هرگونه عواید از هر قبیل راکه تا این تاریخ به حیثه وصول شما (دیکو و آندرهیل - م) یا امضاء کنندگان زیر درآمده و یا بعداً "درآید و مرتبط با دعای ناشی از، و یا مربوط به قراردادهای باشد که در تاریخ دوم ژوئیه ۱۹۷۵ (۱۱ تیرماه ۱۳۵۴) منعقد شده ... به شما واگذار می نماید. این واگذاری شامل کلیه عواید حاصله از هرگونه ادعای که در وزارت دادگستری ایران به وسیله آن شرکت و یا امضاء کنندگان زیر ممکن است طرح گردد و یا هرگونه دعوای دیگری که در رابطه با طرح اکباتان ممکن است اقامه شوند نیز، می باشد".

در موافقت نامه مورخ دهم ژوئن ۱۹۷۸ (۲۰ خردادماه ۱۳۵۷) مقرر شده بود که قراردادهای فیما بین پیمانکاران و عمران تهران به شرط آنکه نامبردگان ظرف ۱۸ روز حسابهایشان را تصفیه کنند، فسخ خواهد شد. پس از آنکه تصفیه ای صورت نگرفت، موافقت نامه دهم ژوئن ۱۹۷۸ (۲۰ خردادماه ۱۳۵۷)، طبق شرایط خود باطل و کان لم یکن شد، و اختاریه‌های تخلف، به شرح موصوف در قراردادهای متعدد، توسط پیمانکاران در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (هفتم تیرماه ۱۳۵۷) به عمران تهران ابلاغ شد. اختاریه‌های مذکور

متضمن فسخ قراردادها ، در صورت عدم پرداخت بود . بدینسان قرار بود قرارداد مرحله یک در ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۲ تیرماه ۱۳۵۷) و قرارداد مرحله یک (الف) و مرحله دو ، در هشتم ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۷ تیرماه ۱۳۵۷) فسخ شوند . اظهاریه های دیگری نیز راجع به سایر تخلفات ادعائی عمران تهران ، توسط پیمانکاران ارسال گردید . در رابطه با مرحله سوم نیز اظهاریه های ارسال شد . در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۷ تیرماه ۱۳۵۷) پیمانکاران به عمران تهران اعلام و گواهی کردند که کار مرحله یک و مرحله یک (الف) خاتمه یافته و تقاضا کردند که دفاتر عمران تهران حسابرسی شود تا به موجب قرارداد های مربوط تعدیل نهائی حسابها امکان پذیر گردد . لکن حسابرسی انجام نشد و وجهی نیز به پیمانکاران پرداخت نگردید .

#### بخش سوم - اظهارات طرفین

خواهانها اظهار میدارند که پیمانکاران یا موکلان و شرکتهای وابسته ایشان ، پی ها و ویبنای پروژه های به وسعت پروژه اکباتان را در گذشته احداث کرده اند . شخصیتهای حقوقی خاصی که به عنوان پیمانکار عمل می کردند ظاهراً " برای پروژه مورد بحث تشکیل یافته بودند .

خواهانها ادعا می کنند که در مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده هستند . ایشان همچنین مدعی اند که عمران تهران به عنوان یک واحد تحت کنترل دولت ایران تابع صلاحیت دیوان داور است . خواهانها اظهار می دارند هنگامی که وزارت مسکن و شهرسازی آقای معظمی را در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۲ آبانماه ۱۳۵۸) به عنوان مدیر عامل موقت ( عمران تهران ) منصوب کرد ، شرکت مزبور تحت کنترل دولت درآمد و از آن زمان کماکان تحت کنترل دولت باقی مانده است . عمران تهران با استناد باینکه یک سازمان ، تشکیلات ، یا واحد تحت کنترل دولت ایران نبوده ، بلکه یک شرکت مستقل است ، منکر صلاحیت دیوان نسبت به خود می باشد .

عمران تهران همچنین بر اعتبار و نفاذ سند انتقال حقوقی مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) استارت ایراد گرفته است . خواهانها اظهار می نمایند که واگذاری مزبور

تمامی ادعای از تاریخ به وجود آمدن ، یعنی در فاصله ۲۸ ژوئن و ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲ تا ۲۷ تیرماه ۱۳۵۷) و در واقع پس از واگذاری ، در اختیار آنها قرار داده است . عمران تهران استدلال می کند که طرح آن بخش از ادعا که قابل انتساب به استارت است نزد دیوان داوری صحیح نیست ، زیرا واگذاری ادعائی فوق نافذ نبوده و حتی اگر هم نافذ می بود ، از آنجا که استارت یک شرکت سوئیسی است ، ادعا طبق بیانیه حل و فصل دعاوی بطور مستمر در اختیار اتباع ایالات متحده نبوده است .

در رابطه با ماهیت دعوی ، خواهانها استدلالات زیر را ارائه می نمایند : گرچه کار ساختمان توسط پیمانکاران ادامه یافت ، با اینحال عمران تهران ، در اواخر سال ۱۹۷۷ شروع به عدم پرداخت صورتحساب های تسلیمی کرد ، و پیشرفت کار به علت قصور مکرر عمران تهران در پرداخت بموقع صورت حسابها و تاءمین تجهیزات ، مواد و مصالح و کارگر ، جوازه و پروانه های لازم طبق قرارداد ، کند شد . علی رغم ابلاغ اخطاریه های تخلف به عمران تهران ، هیچگونه پرداختی به عمل نیامد . قراردادهای گوناگون مورد بحث به موجب این اخطارها فسخ گردید . با وجود اینکه روش "ریزاقلام پرداخت" برای اولین بار به صورت یک قید قراردادی در موافقت نامه مورخ اول اکتبر ۱۹۷۶ (نهم مهرماه ۱۳۵۵) مرحله دوم ، ظاهر گردیده ، با اینحال ، این روش محاسبه قبلا توسط طرفین در رابطه با کار مرحله یک نیز مورد استفاده واقع شده بود ، زیرا ، از مارس ۱۹۷۶ به بعد عمران تهران دیگر اطلاعات لازم جهت تعیین "هزینه کار" طبق شروط موافقت نامه مرحله یک را به پیمانکاران ارائه نمی کرد و یا قادر نبود ارائه کند . این روش ریزاقلام پرداخت در تقاضای پرداخت شماره ۱۱ که به مرحله یک مربوط میشود ، منعکس شده است .

طبق اظهار خواهانها ، قرارداد چهارمی در ارتباط با مرحله سوم پروژه که چهار ساختمان جدید را در بر می گرفت در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۷ (۱۸ شهریور ۱۳۵۶) یا قبل از آن منعقد گردید . خواهانها اظهار می دارند که مذاکرات منتهی به توافق شفاهی شد که طبق آن ایشان می بایست بر اساس شرایطی مشابه شرایط پروژه های مرحله یک

ویک (الف) کا ررانعام دهند، ویک موافقت نامه کتبی نیز به تاریخ نهم سبتا میر ۱۹۷۷ (۱۸ شهریورماه ۱۳۵۶) که حاوی مفاد و شرایط توافق شفاهی بود، تنظیم شد، ولی هرگز به امضاء نرسید. خواهانها به این موافقت نامه نیز که به ادعای ایشان در فوریه ۱۹۷۸ فسخ گردید، استناد می نمایند.

بنا به اظهار خواهانها، مبلغ واجب الادا به پیمانکاران، به صورت تعدادی درخواست پرداخت، و نهایتاً "در چهار درخواست تسلیمی به عمران تهران، مطالبه گردیده که با توجه به عدم حابرسی یا تکمیل قراردادها، کل حق الزحمه های استحقاقی بابت موافقت نامه ادعائی مرحله سوم، تا ۲۰ فوریه ۱۹۷۸ (اول اسفندماه ۱۳۵۸)، و بابت هریک از قراردادهای دیگر، تا ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خردادماه ۱۳۵۷) را منعکس می نماید. مبالغ منعکس شده در تقاضاها به عنوان مبالغ واجب الادا، به شرح زیر بودند:

	<u>کل حق الزحمه خالص</u>	<u>مبلغ پرداخت نشده</u>
مرحله یک	تقاضای شماره ۳۳	۵۵۰۱،۴۲۰ دلار
مرحله یک (الف)	تقاضای شماره ۲۰	۵۶۶،۵۲۵ دلار
مرحله دو	تقاضای شماره ۲۰	۲۰۴۲۵،۰۸۲ دلار
مرحله سه	تقاضای شماره ۵	۵۹۶،۴۲۴ دلار
جمع کل	۸،۶۳۹،۴۵۱ دلار	۲،۷۷۲،۶۷۰ دلار

بدینسان، رقمی که به عنوان مبلغ پرداخت نشده بر اساس تقاضاهای مذکور مطالبه می شود، ۲،۷۷۲،۶۷۰ دلار است. خواهانها، به این مبلغ رقم ۳۳۷،۹۵۶ دلار که حساب ادعا به عنوان تخفیف برای پرداخت بموقع، کسر شده بود، اضافه نموده اند و بدینسان کل مبلغ مورد مطالبه به ۳،۱۱۰،۶۲۶ دلار بالغ شده است.

دیگر و آن در هیل، علاوه بر مبالغ مندرج در تقاضاهای پرداخت، مبلغ ۳،۳۲۱،۶۵۳ دلار دیگر نیز مطالبه می نمایند. رقم مزبور بابت حق الزحمه های اضافی است که چنانچه

عمران تهران تعهدات خود را بطور صحیح انجام داده و طبق برنام زمانی مورد توافق کار را ادامه داده بود، پیمانکاران تا ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) استحقاق مطالبه آنرا می داشتند. به علت عدم دسترسی به دفاتر عمران تهران، خواهانها این مبلغ را بر اساس روش "ریزاقلام پرداختها" محاسبه می نمایند. دیک واندر هیل طالب مبالغی نیستند که در صورت اجرای کامل قراردادها تا مرحله تکمیل پروژه، استحقاق دریافت آنرا می داشتند و از آن جهت تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) را مبنای قرار می دهند که مدعی هستند تا تاریخ مزبور کلیه خدماتی را که با توجه به تاخیرهای عمران تهران می توانستند اجرا نمایند، واقعا "انجام دادند و اظهاریت میدارند که طالب خسارت عدم النفع بابت کارهایی که می توانست بدلیل فسخ زودتر از موعد قراردادها انجام شود، نیستند.

خواهانها، همچنین طالب پرداخت ۳۰۰،۰۰۰ دلار بابت کار اضافی انجام شده و مبلغ ۱۶۹،۱۱۷ دلار بابت مبالغی که من غیر حق توسط عمران تهران کسر شده هستند، لیکن کاهش دیگری به مبلغ ۵۲،۰۰۰ دلار به موجب موافقت نامه تخفیف را، سوای تخفیف هایی که قبلا طی چهار درخواست پرداخت نهائی داده شده، قبول می کنند. خواهانها مبلغی را که قابل انتساب به افزایش هزینه ها به علت تورم بوده و موجب افزایش مبلغ واجب الادا به آنها میشود، مطالبه می نمایند و مضافا "خواستار بهره مبالغ پرداخت نشده از تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۷ تیر ماه ۱۳۵۷) و هزینه های خویش در جریان داوری حاضر، می باشند.

عمران تهران مدعی است که کار انجام شده توسط پیمانکاران در تمامی پروژه مطابق با استانداردها و نیازمندیها و ناقص بوده است. عمران تهران در دادخواست متقابل اولیه خود که طی اظهاریه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۲ (۷ دی ماه ۱۳۶۱) خود آنرا اصلاح نموده، مدعی است که حق دارد کلیه وجوه پرداختی را که حسب ادعا به ۶،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا بالغ می شود، بعلوه "زبان تاء خیر تاء دیه" از تاریخ ورود زیان، تاجرای حکم دیوان که میزان آنرا ۱،۰۸۰،۰۰۰ دلار برآورد می کند، به اضافه ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ دلاری کسبه موجب ضمانت نامد تضمین شده، مسترد نماید. عمران تهران اظهار می دارد که تقاضاهای

پرداخت تسلیمی صحیح نبوده و درصد کار انجام شده بیش از واقع اعلام شده است. عمران تهران استدلال می کند که تا ژوئن ۱۹۷۸ تقریباً " فقط ۶۵ درصد کار مرحله یک پروژه انجام شده بود، مرحله یک (الف) فقط به میزان ۸۳ درصد انجام و مجموع درصد کار انجام شده از ۶۵ درصد تجاوز نکرده است. بعلاوه، عمران تهران اظهار می دارد که مبنای محاسبات حق الزحمه ها کلاً " نادرست و رقم ۸۰ دلار برای هر متر مربع بسیار گزاف بوده است. شرکت نامبرده ادعا می نماید که تخفیف های اعطائی به وی و کاهش حق الزحمه های موافقتنامه های مرحله یک و مرحله دو در حکم تصدیق گزاف بودن حق الزحمه ها بوده است. عمران تهران مدعی است که پیمانکاران، حتی اگر استحقاق دریافت حق الزحمه ای هم داشته باشند، فقط مستحق دریافت ۴/۵ میلیون دلار بوده اند و ۸،۴۹۲،۲۸۵ دلار بدهی آنها اضافه پرداخت شده است.

عمران تهران، در پاسخ به جوابیه خواهان در مورد ادعای متقابل خوانندگان، که بخشی از لایحه شرکت نامبرده را تشکیل می دهد ( متن فارسی پاسخ در ۴ اوت ۱۹۸۳ / ۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۲ / و متن انگلیسی آن در دوم سپتامبر ۱۹۸۳ / ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲ به ثبت رسیده )، اظهار می دارد که مستحق وصول غرامت عادلانه از خواهانها به مبلغ زیر است: ۱۰،۳۷۶،۳۷۵ دلار بابت نواقص کار خواهانها و هزینه های متحمله عمران تهران در ترمیم نواقص مذکور، ۱۵،۹۰۰،۰۰۰ دلار بابت تاء خیر در تکمیل و تحویل کار، ۸،۴۹۲،۲۸۵ دلار بابت اضافه پرداخت ها، و ۱۷،۳۸۴،۹۹۰ دلار بابت " دارا شدن غیر عادلانه " به اضافه هزینه های داوری. بالاخره، عمران تهران استرداد کلیه نقشه های خدمات مهندسی و عملیاتی موضوع ماده ۱ (ک) شرایط عمومی قرارداد، را خواستار است. (۲)

---

(۲) خوانندگان در مورد خسارات مورد دعای متقابل اولیه ایشان عنوان نشده، درخواست اصلاح ادعای متقابل خود را نکرده اند. دیوان با توجه به رای خود راجع به ادعای متقابل، لازم نمی داند که در مورد مجاز بودن یا نبودن تفسیرات و ادعای جدید تصمیم گیرد.

در رابطه با ادعاهای مربوط به قرارداد ادعائی مرحله سوم، موضع عمران تهران اینست که چنین قراردادی هرگز وجود نداشته، و هیچگونه کاری به موجب چنین قرارداد ادعائی انجام نشده و لذا هیچگونه وجهی در رابطه با آن واجب الادا نبوده یا نیست.

در خصوص قرارداد تخفیف و کاهش قراردادی حق الزحمه ها، خواهانها توضیحات زیر را ارائه می نمایند: تخفیف هائی که در حق الزحمه ها به موجب موافقت نامه تخفیف اعطاء شد، معلول افزایش هزینه های کار در نتیجه اضافه شدن مراحل یک (الف) و دو (به پروژه) بود. پیمانکاران در تقاضاهای پرداخت خود این قبیل کاهشهای سه ماهه و نیزه ۱ درصد تخفیف بابت پرداخت بموقع را منظور می نمودند. کاهش در صد حق الزحمه ها در موافقت نامه های مرحله یک (الف) و مرحله دو معلول تقلیل هزینه ها و مخارج بود، زیرا هزینه هائی مثل هزینه راه اندازی که برای مرحله یک ضرورت داشت، دیگر در مراحل بعدی مورد پیدانمی کند.

خواهانها خاطرنشان می کنند که ادعاهای متقابل بر همان واقعیاتی مبتنی است که لایحه دفاعیه. علاوه بر این، ایشان منکر آنند که نواقصی در کار آنان وجود داشته است و مدعی اند که اگر اصولاً چنین نواقصی هم وجود داشته، قابل انتساب به پیمانکاران نیست. خواهانها استدلال می کنند که ما دام که در محوطه کار بودند هیچگونه شکایتی راجع به نقص در کار سواى آنچه که به ایشان اطلاع داده میشد و بطور معمول نیز در جریان کار طبق قرارداد اصلاح می گردید، بعمل نیامد. ایشان، علاوه اظهار می دارند که برای فروش آپارتمانها تسلیفات وسیعی شد و اکثر آنها در حال حاضر مسکون است و چنین وضعیتی با ادعای وجود نواقص اساسی در ساختمان یا نواقص دیگر، منافات دارد.

دولت، وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مستضعفان و بانک مرکزی منکر آنند که ادعای حاضر قابل انتساب به هر یک از آنان است. وزارت مسکن و بنیاد خواستار هزینه های داوری خویش هستند.



بخش چهارم - دلایل صدور حکم

الف - صلاحیت

ادله و مدارک ثابت می کنند که دیک در سال ۱۹۷۵ در ایالت دله ورتا، سیس یافته و از آن پس به عنوان یک شرکت آمریکایی باقی مانده و سهام آن تماما " در دست اتباع ایالات متحده است . مدارک همچنین ثابت می کنند که آندرهیل در سال ۱۹۷۵ در ایالت دله ورتا، سیس یافته و از آن پس به عنوان یک شرکت آمریکایی باقی مانده است . سهام آن در بخشی از مدت زمان ذیربط متعلق به آندرهیل کانستراکشن کورپوریشن بوده که شرکتی است نیویورکی که اکثریت سهام آن در کلیه مواقع ذیربط متعلق به اتباع ایالات متحده بوده است . سهام شرکت به افرادی انتقال یافته که اکثریت آنها اتباع ایالات متحده بوده و در بقیه مدت زمان ذیربط صاحب این سهام بودند . بدینسان ، دیک و آندرهیل در مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی خواهانهای صحیح به شمار می روند .

به موجب بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ، صلاحیت دیوان داور فقط در صورتی شامل یک واحد ایرانی می شود که " سازمان ، تشکیلات یا واحد تحت کنترل دولت ایران باشد " . با وجود اینکه عمران تهران در حال حاضر هنوز یک شرکت سهامی به شمار می رود ، با اینحال مساء له این نیست که آیا شرکت یا دنده به شکل یک واحد خصوصی موجودیت دارد یا نه ، بلکه ، مساء له اینست که آیا " تحت کنترل دولت ایران " است یا خیر و بنا بر این مسئله ای که با بدرسیدگی شود ، تحت کنترل بودن عمران تهران است . رجوع شود به ایکانامی فورمز کورپوریشن و ایران ، حکم شماره ۱۶۵-۱ (۱۴ ژوئن ۱۹۸۳/۲۴ خودادماه ۱۳۶۲) .

خواهانها ادله و مدارک کافی ارائه کرده اند که اثبات می نماید عمران تهران در واقع واحدی است تحت کنترل دولت ایران . در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۹ ( ۲۲ آبانماه ۱۳۵۸ ) دولت ایران مدیر عاملی برای عمران تهران تعیین کرد . سایر مقامات عمران تهران نیز توسط دولت ایران منصوب شدند . رویدادهای بعدی مؤید این واقعیت است

که دولت ایران عمران تهران را کنترل می کند. بعنوان مثال ، مدیران عمران تهران که توسط دولت منصوب شده بودند، طی نامه مورخ پنجم ژوئیه ۱۹۸۱ (۱۴ تیرماه ۱۳۶۰) قید کردند که عمران تهران "توسط مدیر منصوب دولت اداره شده و تحت نظارت وزارت مسکن و شهرسازی ... قرار دارد". علاوه، وزارت مسکن، طی نامه مورخ ۱۵ اوت ۱۹۸۱ ( ۲۴ مرداد ۱۳۶۰) به عمران تهران نوشت که مدیران منصوب دولت "از هر لحاظ جانشینان قانونی مدیران عمران تهران محسوب شده و نیاز به هیچگونه اجازه و اختیار ویژه ای از جانب مدیران و یا در غیر این صورت از صاحبان آن ... نخواهند داشت". دیوان داورینتلا "نظر داده که نصب مدیر توسط دولت علی لفظاً هر دلالت بر کنترل دارد. برای مثال رجوع شود به: رکسورد اینکوریوریتد و ایران، حکم شماره ۳-۱۳۲-۲۱ (۱۵ ژانویه ۱۹۸۳/۲۵ دیماه ۱۳۶۱). در پرونده حاضر ادله و مدارک خواهان در مورد کنترل، مفصل تر از پرونده های قبلی است که دیوان در آنها به استناد کنترل دولت رای به ملاحظیت خود داده است و اماره و قریبند روشنی است بر کنترل مسلم و مداوم دولت، و خوانندگان در مقام رد آن بر نیامده اند. بنا براین، دیوان نسبت به عمران تهران ملاحظیت دارد و نظریه این نتیجه گیری، دیگر نیازی به ورود به بحث راجع به وضعیت یا دخالت بنیاد مستضعفان یا بانک مرکزی نیست .

موضوع دیگر در رابطه با ملاحظیت مربوط است به مالکیت آن بخش از ادعا که بر انتقال ادعای حقوق استارت به دیک و آن در هیل مستنی است . خوانندگان اظهار می دارند که خواهانها طبق قانونا "نمی توانند ادعای استارت را مطرح کنند، زیرا حقوق استارت نسبت به پرداخت های موضوع قراردادها منتقل نشده و قابل انتقال نبوده است و بدینجهت ادعای استارت "متعلق به" خواهانها نیست، و این انتقال حقوق، ولو اینکه واحد اعتبار باشد، برای تسری ملاحظیت دیوان نسبت به بخشی از ادعا که به استارت مربوط است کافی نخواهد بود.

ادله و مدارک نشان می دهد که در زمانهای ذیربط، استارت بک شرکت سوئسی بوده که ۹۰ درصد سهام محاز آن به استارت هاوزینگ اینترنشنال اینکوریوریتد، که

(۳)

یک شرکت آمریکائی است ، تعلق داشته و شرکت اخیر بنوبه خود تماما "متعلق به استارت سیستمز اینکورپوریتد بوده که آن نیز تماما" به استارت ها و زینگ کورپوریشن تعلق دارد . دیوان داوری قبلا" رأی داده است که استارت ها و زینگ کورپوریشن ، طبق تعریف اصطلاح تبعه در بیانیه حل و فصل دعاوی ، تبعه ایالات متحده است . رجوع شود به : استارت ها و زینگ کورپوریشن و ایران ، قرار اعدادی ، شماره ۱-۲۴-۳۲ (۱۹ دسامبر ۱۹۸۳/۲۸ آذر ۱۳۶۲) .

به نظرمی رسد که ۵۵ درصد عواید قرار دادی که مورد ادعا ، قابل انتساب به دیک و آندرهیل و ۴۵ درصد آن قابل انتساب به استارت است . دیک و آندرهیل مدعی اند که استحقاق استرداد سهم استارت را ، بموجب سند انتقال حقوق مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) ، دارند . سند مزبور به شکل نامه ای است که در آن ظاهرا " به عنوان بخشی از مصالحه کلی بین پیمانکاران مختلف ، استارت و استارت ها و زینگ کورپوریشن کلیه حقوق خود نسبت به مطالب مورد استحقاق بابت ادعاهای مربوط به مرحله اول قرارداد و "هر ادعای دیگری را که در رابطه با پروژه اکباتان اجیانا " ثبت یا اقامه شود " ، صریحا " به دیک و آندرهیل منتقل کرده اند . گرچه ممکن است همه موضوعات مربوط به انتقال از لحاظ فنی جنبه صلاحیتی نداشته باشد ، با اینحال کلیه این قبیل موضوعات تواءم " مورد بررسی قرار خواهند گرفت .

.

در رابطه با اعتبار و نفاذ انتقال مزبور مسائلهای مطرح شده است . هنری بناک سند انتقال را از جانب هر دو شرکت یاد شده امضاء کرد . امضای وی در گذشته - به ویژه در رابطه با قراردادها - توسط استارت پذیرفته شده و هیچگونه مدرک و دلیلی دایر بر اینکه وی مجاز به امضای اسناد از جانب شخصیتهای حقوقی مورد بحث نبوده است وجود ندارد ، در واقع ، صورتجلسه نشستها ، همچون خود قراردادها ، حاکیست که وی نماینده استارت بوده

---

(۳) معلوم نیست که ۱۰ درصد بقیه سهام ، سهام پرداخت نشده باشد . خواهانها اشاره کرده اند که استارت یک شرکت تماما " متعلق به استارت ها و زینگ اینترنشنال اینکور - پوریتد است .

(۴) است. به عنوان مثال، در بند ۲۱ قرارداد مرحله یک قید شده که استارت هنری بناک رابه عنوان "یکی از نمایندگان، جهت تصمیم‌گیری، تعیین می نماید". نحوه انشاء سند انتقال به وضوح حاکیست که سند به انتقال حقوق مربوط به مطالبات و ادعاهای فیما بین پیمانکاران ناظر بوده، و صرفاً "یک وکالت نامه یا قرارداد نمایندگی نیست".

خوانندگان استدلال می کنند که هم به موجب قوانین ایران و هم طبق قراردادها، موافقت عمران تهران جهت اعتبار و نفاذ انتقال، لازم بوده است. قراردادها حاوی قیودی مبنی بر انتخاب قانون ایران است حال آنکه سند انتقال ظاهراً "در ایالات متحده تنظیم شده است. بنا بر این، تفسیر و اثر انتقال فیما بین انتقال دهنده و منتقل الیه مشمول قوانین ایالات متحده است. موضوعات مربوط به قابلیت انتقال می توانند تابع قانون حاکم بر تعهد (دین) یا قرارداد باشد، که می توان آنرا قانون ایران محسوب کرد، برای مثال رجوع شود به:

2 Dicey and Morris on the Conflict of Laws 569-72 (10th ed. 1980)

مدرکی در این مورد ارائه نشده است که قوانین ایران و ایالات متحده در رابطه با اصول حقوقی حاکم بر این مورد، اختلاف مهمی با یکدیگر داشته باشند.

بند ۲ ماده ۲۹۲ قانون مدنی ایران و اگذاری تعهد پرداخت دین را بدون رضایت متعهدله منع کرده است، ولی بند ۳ (همان ماده) انتقال مافی الذمه متعهد را بدون چنین رضایتی اجازه داده است. بدینسان انتقال حقوق استارت در مورد حاضر طبق قوانین ایران ممنوع نبوده است.

---

(۴) ادعای در هنگام انتقال، متعلق به شرکت سوئسی بوده و بنا بر این، شرکت نامبرده انتقال دهنده صحیح بوده، مگر آنکه بتوان گفت که شرکت مادر اصلی، یعنی استارت هاوزینگ کورپوریشن مالک انتفاعی بوده است. شرکت اخیرالذکر نیز سند انتقال مزبور را اعزاء کرد.

در ماده ۱۰ (ب) شرایط عمومی قراردادهای مختلف قید شده که استارت "سند قراردادها را واگذار نخواهد کرد. .... مگر به ترتیب مقرر در موافقت نامه " . بند ۱۵ قرارداد مرحله اول و بند ۱۴ قراردادهای مرحله دوم و مرحله اول (الف) مقرر می‌دارند که پیمانکاران حق دارند با موافقت عمران تهران موافقت نامه را به شرکت‌های تابعه و وابسته یا شرکت‌های مرتبط واگذار کنند و عمران تهران بدون دلیل از موافقت استنکاف نخواهد کرد. خوانندگان استدلال می‌کنند که چون استارت حق انتقال نداشته ، لذا انتقال معتبر نمی‌باشد. دیوان داور با این اظهار موافق نیست .

حقوق منتقله در مورد حاضر، حقوق قابل انتقال اند. موارد ممنوعیت انتقال حقوق به نحو مضیق تفسیر می‌شوند. به عنوان مثال ، مواردی که انتقال به موجب قرارداد ممنوع است ، عموماً " بدین نحو تفسیر می‌شوند که ممنوعیت فقط واگذاری تعهدات را شامل می‌شود و نه انتقال حقوق را ، به ویژه حق ساده دریافت وجه . حتی مواردی که صراحتاً " انتقال حقوق منع شده عموماً " چنین تفسیر می‌شوند که ممنوعیت ، انتقال ادعا یا عواید ادعا را شامل نمی‌گردد .

علاوه بر این، می‌توان استدلال کرد که شرط قراردادی ممنوع کننده انتقال حقوق موضوع قرارداد، به متمهد حق می‌دهد که بابت نقض شروط ممنوعیت انتقال ، ادعای خسارت کند لکن چنین شرطی الزاماً " انتقال را غیر نافذ نمی‌سازد. بنابراین ، حتی اگر انتقال از لحاظ فنی در مورد حاضر در حکم نقض قید قراردادی باشد ، باز هم عمران تهران اثبات نکرده که در اثر چنین نقضی متحمل خسارت شده است . چنانچه هیچگونه انتقالی صورت نگرفته بود ، استارت حق می‌داشت ادعای خود را بابت سهم خویش از حق الزحمه واجب الادا مطرح سازد و یا شرکت ما در استارت می‌توانست چنین ادعایی را در دیوان اقامه نماید .

حتی اگر موضوع انتقال حقوق در قراردادها قید شده بود ، باز هم عمران تهران نمی‌توانست بدون دلیل از موافقت با چنین انتقالی استنکاف ورزد . نشانه‌ای در دست نیست که در مورد استنکاف از موافقت یا انتقال حق دریافت و مطالبات ، دلیل موجهی ارائه

شده باشد. این مطلب به ویژه از این نظر مادی است که خواهانها بلامرئید کلیه مدافعات، از جمله دعاوی بابا پاشی که عمران تهران ممکن است علیه استارت اقامه کند، پاسخ دهند، و خواهانها موافقت کرده اند که در برابر کلیه ادعاهای متقابل، حتی اگر از مبلغ ادعاهای تجاوز کنند، پاسخگو باشند. رجوع شود به پانویس ۵ زیر، بدینسان، اگر ممنوعیت مربوط به انتقالها قابل اعمال می‌بود، دیوان، بر اساس سوابق موجود، می‌توانست هرگونه استکفاف از موافقت را غیر منطقی و لذا غیر قابل اجرا تشخیص دهد، و چنین تشخیصی نیز می‌داد.

خوانندگان، همچنین استدلال می‌کنند که رفتار استارت پس از ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) با انتقال ادعای مغایر بوده است. معذا، چنین رفتاری فقط دلالت بر آن دارد که استارت به اجرای تعهدات قراردادی خود - یعنی وظایفی که انتقال در آن تاء شير نداشت - کماکان ادامه داد. خوانندگان به یک "اظهارنامه" وزارت دادگستری که توسط پیمانکاران مشترکا "به دست رسیده اشاره می‌کنند. سند مزبور حاوی یک تقاضای کلی برای پرداخت مبالغ واجب الادا، اخطار رسمی فسخ قراردادها و اخطار به ای بود مبنی بر آنکه اگر پرداخت انجام نشود، پیمانکاران "موضوع راه دآوری ارجاع خواهند کرد..." معذک، در سند انتقال حقوق مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) قید شده که "این واگذاری شامل کلیه عواید حاصله از هرگونه ادعای که در وزارت دادگستری ایران به وسيله آن شرکت و یا امضاء کنندگان زیر ممکن است طرح گردد.... می‌باشد". علاوه، هیچگونه دعوی مشترکا "توسط پیمانکاران بدست نرسیده، و نه برم مذکورونه ادعا، هیچکدام حاوی تقاضای ویژه‌ای توسط استارت بابت وجوه واجب الادا خود استارت، نبوده است.

هر عملی که استارت کرده بر حقوق دیک و آندرهیل در برابر استارت، تاء شيری نداشت است. چنانچه استارت وجوه را از عمران تهران وصول کرده بود و عمران تهران هیچگونه اطلاعی از واگذاری نمی‌داشت، وی (عمران تهران) اخباری نمی‌داشت که همان وجوه را به

دیک و آندرهیل بپردازد. لیکن از آنجا که استارت هیچیک از جوه مورد اختلاف را از عمران تهران وصول نکرده، لذا دیک و آندرهیل حق دارند ادعا را تعقیب کنند. باید توجه داشت که در طول رسیدگیهای حاضر، استارت بر اعتبار و نفاذ انتقال مورد بحث تاء کید کرده است. لذا، به دلایل پیش گفته، دیوان انتقال مورد بحث را معتبر و نافذ می داند.

تاریخ انتقال اندکی پیش از تسلیم چهار صورت حساب نهائی مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۸ (۲۷ خرداد ۱۳۵۷) وقیل از فسخ رسمی قراردادها در ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۸ (۲۷ تیرماه ۱۳۵۷) یاد در آن حدود، بوده است. گرچه سر رسید قسمتهائی از جوه پیش از تاریخ انتقال بوده، با اینحال، خواهانها اظهار می دارند که ادعاهای مطروح، از تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۸ (۲۷ خرداد ۱۳۵۷)، یعنی پس از انتقال، بوجود آمده است.

مبالغ مندرج در تقاضاهای پرداخت پیمانکاران، که حسب ادعا پرداخت نشده، صرفاً " برآورد قسمتی از مبلغی بود که نهایتاً باید پرداخت میشد. قرار بود رقم نهائی پس از اتمام کار و انجام حسابرسی، تعیین شود. تعدیلات لازم فقط آن موقع می توانست صورت گیرد. خواهانها در رابطه با کار انجام شده تقاضا کردند که حسابرسی انجام و کلیه حسابهای معسوق، تصفیه شود و ظاهراً " نتوانستند تقاضایشان را عملی کنند. مبلغ واقعی طلب هنگام تکمیل یا فسخ قراردادها قابل تعیین بود و نه بر اساس برآوردی که از آن مبالغ در درخواستها صورت گرفتند بود. از آنجا که عمران تهران حسابرسی قراردادهائی را که حسب ادعا تکمیل شده بود، اجازه نمی داد و قرارداد دیگری هم پیش از اتمام کار، فسخ شده بود، لذا خواهانها به ارقام مندرج در درخواستهای پرداخت، که از نظر ایشان دقیق ترین رقمی است که بابت کار انجام شده باید بدینها تاء دپه شود، استناد می کنند. گرچه، ممکن است، تخلفات ادعائی از قرارداد در طول زمان صورت گرفته باشد، با اینحال تخلفی که ادعا بر آن استوار است، قصور ادعائی عمران تهران در پرداخت مبالغ واجب الادا بابت تکمیل یا فسخ قراردادهاست. در رابطه با مرحله سوم، بفرض که رابطه قرارداد دیوید تر بیان می یافت با زهم خواهانها نپذیرفتند که فاقد حقوق قراردادی اند و تا تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۲۸ (هفتم تیرماه ۱۳۵۷) رسماً " تقاضای

پرداخت نکردند. از اینرو، ادعاها، بر عدم تاءدید مبالغ مندرج در تقاضاهای پرداخت قبلی، کد حاوی ارقام برآوردی است، مبتنی نبوده بلکه بر عدم پرداخت مبلغی که نهایتاً " واجب الادا تشخیص داده شده مبتنی بوده است. در واقع، خواهانها در ادعای خود فقط از ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (هفتم تیر ماه ۱۳۵۷) خواستار بهره هستند. بنابراین، کلیه ادعاها پس از انتقال به وجود آمده است.

همچنین، باید خاطر نشان ساخت که ادعاهای واگذار شده، در کلیه مواقع، ولوبه طور غیر مستقیم، تا تاریخ واگذاری متعلق به یک تبعه ایالات متحده بوده و لذا برای آن اساس به موجب بند ۲ ماده هفت بیانیه حل فصل دعای در حیطه صلاحیت دیوان داری قرار دارد. خوانندگان استدلال می کنند که واگذاری مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) فقط ادعاهای ناشی از قرارداد مرحله یک را شامل میشود. اگرچه در سند مربوط به ادعاهای مرحله یک اشاره شده، با اینحال انتقال محدود بدانها نیست. سند صریحاً " مقرر می دارد که واگذاری " هرگونه دعوی دیگری که در رابطه با پروژه اکباتان ممکن است" اقامه شود را نیز در بر می گیرد. با توجه به این واقعیت که نه استارت ونه شرکت مادر وی هیچگونه ادعایی درباره پروژه اکباتان در هیچ دادگاهی مطرح نکرده اند و بعلاوه موضع استارت اینست که ادعایش را به خواهانها واگذار نموده، رفتار وی پس از واگذاری، با این تعبیر تطبیق می کند.

بنابراین، دیوان نسبت به بخش استارت ادعاهای پیمانکاران که مشمول واگذاری بوده صلاحیت دارد و این بخش از ادعاها علیه عمران تهران قابل طرح است. خواهانها، همچنین ملزمند به کلیه مدافعات، از جمله دعای پایا پائی که می توان در رابطه با آن بخش از دعای علیه استارت مطرح کرد، پاسخ گویند.<sup>(۵)</sup>

---

(۵) خواهانها اعلام کرده اند که نسبت به ادعاهای متقابل عمران تهران که بطور صحیح ثبت شده و ناشی از کارهایی باشد که استارت به موجب قرارداد های مبنای ادعاها انجام داده، پاسخگو خواهند بود. با توجه به نتیجه گیری دیوان، که ذیلاً آمده است دیوان لازم نمی داند راجع به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود نسبت به این قبیل ادعاهای متقابل در مواردی که از مبلغ ادعاها تجاوز کنند تصمیم گیرد.



ب - ماهیت دعوی

۱ - اعتبار و قابلیت اجرای قراردادها

در مورد وجود، اعتبار و قابلیت اجرای قرارداد های مرحله یک، مرحله یک (الف) و مرحله دو اختلافی نیست. کار مربوط به این مراحل انجام شد و پرداختها نیز به عمل آمد. عمران تهران در واقع بر اساس نقض این قراردادها ادعاهای متقابلی مطرح ساخته است.

تنها مسأله در مورد وجود و قابلیت اجرای قرارداد، به قرارداد ادعائی مرحله سوم مربوط میشود. عمران تهران استدلال می کند که وی قراردادی برای مرحله سوم با پیمانکاران منعقد نساخته، پیش نویسی امضا نشده قرارداد مرحله سوم که توسط خواهانها ارائه گردیده اعتبار ندارد، موضوع هرگز از مرحله مذاکرات شفاهی فراتر نرفته و نیز اینکه به موجب این قرارداد ادعائی هیچ کاری صورت نگرفته و هیچ پرداختی نیز به عمل نیامده است.

خواهانها ادله و مدارکی از توافقات شفاهی، راجع به شروع مرحله سوم و نوشته هایی که ظاهراً "مؤید وجود توافقی راجع به مرحله سوم است، تسلیم نموده اند. صورت جلسه ای که بصورت معمول، راجع به نشست مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ (هفتم بهمن ۱۳۵۵) تهیه شده موبد آنست که عمران تهران مایل بود پیمانکاران کار مرحله سوم را آغاز نمایند. صورت جلسه حاکی است که نسخه ای از آن برای عمران تهران فرستاده شده است. خواهانها، همچنین متذکر می شوند که مکاتبات آنها و کار انجام شده بابت مرحله سوم بر وجود چنین موافقتی دلالت دارد. بنا به اظهار خواهانها، یک فرم موافقت نامه که حسب ادعا مبین توافق شفاهی است تنظیم و تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۷ (۱۸ شهریور ۱۳۵۶) روی آن قید گردید ولی هرگز امضاء نشد.

خواهانها ادله و مدارک مفصلی ارائه نموده اند که ثابت می کند که فی الواقع خدماتی در رابطه با بخش مرحله سوم پروژه، با آگاهی کامل عمران تهران، ارائه شده است.

شهادتنامه آقای جی .موروگ ، سرآرشیستک عمران تهران در پروژه ، و سوگندنامه آقای مدهومتا ، سرمهندس عمران تهران در پروژه ، که در جلسه استماع نیز شهادت دادند موء ید آنست که پیمانکاران خدماتی در رابطه با مرحله سوم ارائه کردند . علاوه بر این ، پیمانکاران تافوریه ۱۹۷۸ پنج فقره صورت حساب در رابطه با مرحله سه ، که مشروحا " نشان می داد که بیش از ۳۱ درصد کار انجام شده است ، به عمران تهران تسلیم کرده بودند . چنانچه شفاها "توافقی شده باشد ، طبق قوانین ایران الزام آ و راست ، زیرا به نظر می رسد که به علت ارتباط بین پروژه و ایران و همچنین بدلیل انتخاب قانون ایران به عنوان قانون حاکم بر قرارداد در سایر مراحل ، قانون ایران ، قانون حاکم بر قرار داد باشد . رجوع شوده : ایکانامی فورمز کورپوریشن و ایران ، حکم شماره ۱۶۵-۱۶۵-۱۴ (ژوئن ۲۴/۱۹۸۳ خرداد ۱۳۶۲) .

طبق قوانین ایران ، عقد غیر کتبی که موضوع آن قیمتا " بیش از ۵۰۰ ریال باشد را نمی توان فقط به وسیله شهادت شفاها یا کتبی اثبات کرد . رجوع شوده : قانون مدنی ایران ، مواد ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰ . در پرونده حاضر ، خواهانها به مدارکی استناد می کنند که مقارن آن ایام تهیه شده و حاوی تفاهات حاصله با عمران تهران و حاکی از اجرای قسمتی از قرارداد است . به نظر می رسد که قبول اجرای بخشی از قرارداد طبق قوانین ایران می تواند دلیل وجود قرارداد تعهد آور ، باشد . برای مثال ، رجوع شوده : ماده ۱۹۳ قانون مدنی ایران . علاوه بر این ، گرچه قانون حاکم بر خود قرارداد را باید قانون ایران به شمار آورد ، با اینحال هر دادگاهی در مورد اختلافات مطروحه نزد آن ، برای خود ، آئین دادرسی و قواعدی راجع به ادله اثبات دعوی دارد ، و می توان استدلال کرد که نوع ادله و مدارک قابل قبول جهت اجرا قرارداد ، موضوعی است مرتبط با آئین دادرسی و قواعد راجع به ادله اثبات دعوی . به موجب ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی ، دیوان باید " اصول تجاری و حقوق بین الملل " را رهنمود خود قرار دهد . این امر در سیستمهای حقوقی داخلی بنحو گسترده ای پذیرفته شده که وجود قرارداد شفاها قابل اجرا را می توان با ادله و مدارکی که موء ید اجرای قسمتی از آن باشد ، اثبات کرد . برای مثال رجوع شوده :

II K. Zweigert & H. Kötz, An Introduction to Comparative Law: The Institutions of Private Law 40-41, 48-50 (1977)

جنین اصلی را باید یک اصل کلی حقوقی تلقی کرد. بعلاوه، می توان استدلال کرد، که عمران تهران، به موجب رفتار خودش، قانوناً "از ادعای عدم وجود عقد، ممنوع است با اینحال، تقاضای پرداخت شماره ۱ که در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۷ (هفتم آبانماه ۱۳۵۶) بابت مرحله تسلیم گردیده حاوی یادداشتی است مبنی بر این که رئیس امور مالی عمران تهران با ذکر این نکته که "تا به امروز تفاهمی راجع به موافقت نامه بین ما حاصل نشده" از قبول صورت حساب خودداری کرده است. در ۲ فوریه ۱۹۷۸ (اول اسفند ۱۳۵۶) به کارکنان خارجی مرحله سه دستور داده شد که محل کار را ترک کنند. در نامه ای به تاریخ همان روز که پیمانکاران نوشته اند، به مذاکرات اخیر راجع به روابط ——— قراردادای مادر باره مرحله سوم" اشاره شده است. بدینسان، قرائن و امارات حاکی از آنستکه در رابطه با مرحله سه، عقدی که بقدر کافی قطعی و مشخص باشد تا بتوان آنرا قابل اجرا دانست، وجود نداشته است.

بر همین اساس، اگر موافقت نامه ای هم وجود داشته، دلایل و مدارک کافی درباره قطعیت شرایط آن، به نحوی که قابل اجرا باشد، در دست نیست. با وجود این، پیمانکاران به تقاضای عمران تهران و با آگاهی وی، کارهایی انجام دادند و لذا باید حق لزوم آن را دریافت کنند. این نکته در قوانین ایران و طبق اصول کلی حقوقی کاملاً پذیرفته شده که به موجب اصل اجرت المثل quantum meruit برای کار انجام شده می توان اجرت پرداخت. رجوع شود به: مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶ و ماده ۳۳۶ قانون مدنی ایران

3 M. Whiteman, Damages in International Law 1732-61 (1943);  
12 Williston on Contracts §§ 1452-1459 A at 68-108 (3d ed.  
1970);

سجامین آر. ایسایا و بانک ملت، حکم شماره ۲-۲۱۹-۳۵ (۳۰ مارس ۱۹۸۳/۱۰ فروردین

ماه ۱۳۶۲).

مدارک مربوط به ارزش کار پیمانکاران، خواه بر حسب قیمت جاری خدمات تعیین شود، و خواه بر حسب ارزش واقعی آن برای عمران تهران، فرمولی است که طرفین برای تعیین اجرت در قراردادهای مربوط به مراحل دیگر به کار بسته اند. این فرمول شامل روشی است مورد توافق طرفین، جهت تعیین ارزش کار و در تقاضاهای پرداخت مرحله به مرحله منعکس گردیده است. تقاضاهای مذکور و فرمول مورد استفاده طرفین در قراردادهای مرحله یک (الف) و مرحله دو تنها مدرک عمده درباره ارزش کار به شمار می روند. از اینرو، دیوان برای این نظر است که مدارک کافی جهت احراز قرارداد قابل اجرا در مورد مرحله سه موجود نیست. لیکن، خواهانها به موجب اصل اجرت المثل، مستحق دریافت ارزش کاری هستند که انجام داده اند و ضمناً ارزش اینکار در تقاضاهای پرداخت منعکس است. البته، از آنجا که قراردادی برای مرحله سه وجود نداشته، خواهانها نمی توانند بابت کاری که در مورد مرحله سه واقعاً انجام نداده اند، مطالبه خسارت کنند.

## ۲ - ادعاهای مربوط به مبالغ سپاه شده (Invoiced Amounts)

پیمانکاران از بابت هر قرارداد، تقاضاهای پرداخت ماهانه ای تسلیم کرده و ضمن آن در صدکار انجام شده را گواهی، مبالغ واجب الادا توسط عمران تهران را اعلام و جمع حق الزحمه ها و پرداختهای گذشته را قید می کردند. منضم به این تقاضاها برنامهای کارهای انجام شده "گزارشهای روزانه ضمن کار"، "برنامه های کار روزمره، گزارشهای هفتگی در مورد بستون ریزی (Concrete Reports) و سایر اسناد و مدارک تسلیمی به عمران تهران ارسال میشد. در هر تقاضای پرداخت، کار موضوع تقاضا به تفصیل شرح داده میشد. برای تهیه این تقاضاها، نمایندگان عمران تهران و پیمانکاران میزان واقعی پیشرفت کار را در محوطه پروژه عملاً با زبینی و شیت می کردند. برآوردهای مربوط به کار انجام شده بر حسب نوع کنار، توسط نمایندگان عمران تهران و پیمانکاران مورد توافق قرار می گرفت. تقاضاهای پرداخت بر مبنای برآوردهای یاد شده تهیه و ظاهراً "به طور دستی به عمران تهران تحویل می گردید. آخرین تقاضاهای پرداختی که به عمران تهران تحویل گردید نشان می دهد که پیمانکاران حق الزحمه های زیر را طلبکار بوده اند، لیکن مبالغ مزبور تا

تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ۱۳۵۷) بلاپرداخت مانده است .

مرحله یک :	تقاضای شماره ۳۲	۶۵۶،۶۸۸ دلار
مرحله یک (الف) :	تقاضای شماره ۲۰	۲۳۹،۱۵۶ دلار
مرحله دو :	تقاضای شماره ۲۰	۱،۲۸۰،۴۰۲ دلار
مرحله سه :	تقاضای شماره ۵	۵۹۶،۴۲۴ دلار

بند ۵ قرارداد مرحله یک مقرر می دارد که حق الزحمه ها ظرف بیست روز پس از پایان هر ماه باید پرداخت شود. بند ۵ قراردادهای مرحله دو و مرحله یک (الف) مقرر می دارند که پرداختها باید ظرف ده روز پس از پایان هر ماه انجام شود. در کلیه قراردادها مقـرر گردیده که هر موضوع مورد اختلافی باید ظرف ماه بعد حل شود. اثر این شروط اینست که هرگونه ایراد و اعتراضی باید ظرف یکماه به عمل آید. با استناد به رویه ای که بین طرفین معمول بوده و در وضع حاضر نیز قابل اعمال است، همان شروط باید در مورد کار مرحله سه نیز اعمال گردد.

از مدارک موجود نزد دیوان چنین برمی آید که عمران تهران هنگام تسلیم تقاضاهای پرداخت نهائی، به ارقام خاص مندرج در آنها اعتراض نکرد. بعلاوه، به نظر نمی رسد که نامبرده به تقاضاهای پرداخت قبلی نیز ایراد مهمی گرفته باشد. فقط در یک مورد به اختلافی راجع به تقاضای پرداخت شماره ۱۲ در مرحله یک اشاره شده و این خود حاکی از آنست که عمران تهران در صورتی که اعتراضی می داشت، مراتب را اعلام می کرد. عمران تهران تا اکتبر ۱۹۷۷ پرداختها را انجام داد، گویا اینکه هیچیک از پرداختها ظرف مدت مقرر به عمل نیامد. خوانندگان تعدادی تقاضای پرداخت به دیوان تسلیم کرده اند که حواوی اصلاحاتی به صورت دست نویس و حاوی دستوری است مبنی بر پرداخت مبالغ اصلاح شده به پیمانکاران توسط فردی که ظاهراً "از کارکنان عمران تهران بوده". این اصلاحات، عمده نیست. ظاهراً "مبالغ اصلاح شده پرداخت شده اند، لیکن می توان نتیجه گیری کرد که پیمانکاران اصلاحات مذکور را نپذیرفتند، زیرا که این اصلاحات در تقاضاهای

پرداخت بعدی منعکس نشده است .

عمران تهران نسخه‌هایی از تقاضاهای پرداخت شماره ۱۹ بابت مرحله یک (الف) و شماره ۳۱ بابت مرحله یک را تسلیم دیوان نموده که حاوی دست‌نوشته‌هایی مبنی بر تغییرات عمده در مبالغ آنهاست . برخلاف سایر تقاضاها که حاوی دست‌نوشته‌هایی است ، این تقاضاهای خاص حاوی هیچگونه دستوری مبنی بر پرداخت مبالغ اصلاح شده ، نیست . نشانه‌ای در دست نیست که این تقاضاهای حاوی دستنویس ، به پیمانکاران ارائه شده باشد . هیچ دلیل و مدرکی که نشان دهد عبارات دست‌نوشته از آن کیست و یا چگونه این عبارات نوشته شده در دست نیست . بعلاوه ، دست‌نوشته‌های مورداذکار این تقاضاهای پرداخت ، بعد از ماه مه ۱۹۲۸ ، یعنی ، پس از آنکه اختلافات جدی فیما بین طرفین به صورت کتبی منعکس شد ، قید گردید . مهم‌تر از همه آنکه ، در دست‌نوشته‌های مذکور ، در صدکار انجام شده ، به میزانی حتی کمتر از آنچه که در تقاضاهای تاء‌بید شده قبلی توسط عمران تهران ، قید گردیده بود ، تقلیل یافته است . لذا ، دیوان داوری نمی‌تواند ارزش و اعتباری برای این دست‌نوشته‌های تصدیق نشده قایل شود .

باید توجه داشت که حتی اگر درصدهای تکمیل مراحل یک و یک (الف) کمتر از میزانی بود که در تقاضاهای پرداخت فوق ذکر گردیده ، باز هم کارتا تاریخ فسخ قراردادها تکمیل می‌شد ، بنحوی که ، به شرح مورد بحث در زیرخواه‌ها آنها مستحق می‌بودند کل مبلغ قابل پرداخت بابت آن قراردادها را به عنوان خسارت ، دریافت کنند .

عمران تهران اظهار می‌دارد که وی بیش از آنچه در تقاضاهای پرداخت درج شده ، پرداخت کرده است . با اینحال نامبرده هرگز پس از دریافت تقاضاها به ارقامی که به عنوان مبالغ پرداخت شده در آنها درج شده بوده ، ایراد نگرفت . تقاضاها حاکی از آنست که مبلغ ۵،۸۶۶،۷۸۱ دلار دریافت شده است . عمران تهران در ادعای متقابل خود ، طبق توضیحی که داده ، مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰ دلار بابت استرداد حق الزحمه‌ها مطالبه کرد . بدینسان بنظر می‌آید که عمران تهران ، حداقل در آن موقع ارقام خواهانها را راجع به مبالغ پرداختی را ، اساساً " قبول داشته است . عمران تهران هیچگونه دلیل و مدرک مستندی راجع به پرداخت حق الزحمه بیش از آنچه در تقاضاهای پرداخت آمده ، ارائه نکرده است . فی الواقع ، در نسخ تقاضاهای پرداخت تسلیمی عمران تهران که حاوی دست‌نوشته‌هایی

است ، هیچیک از تغییرات ادعائی در مبلغ پرداختی اعمال نشده است . عمران تهران نسخ مدارکی را ارائه نموده که به نظر می آید نسخ اسناد هزینه ای است که در مورد بعضی از تقاضاهای پرداخت صادر شده است . نشانه ای حاکی از اینکه اسناد هزینه تا شناسایی شده باشد ، درست نیست . محل تائید و رسید چکهای پرداختی سفید است . بعلاوه ، اسناد هزینه فقط به قسمتی از تقاضاهای پرداخت مربوط می شود و در واقع نمایانگر پرداخت حق الزحمه ای زائد بر آنچه مورد مطالبه خواهانها بوده ، نیست .

حتی اگر آنطور که خوانندگان ادعا می کنند ، نواقصی در کار پیمانکاران وجود داشته ، باز هم نواقص مزبور ، تعهد پرداخت بموقع را منتفی نمی کند . این قبیل نواقص ادعائی ، چنانچه از آنها صرف نظر نشده باشد ، ممکن است حقیقی از نظرها ترا دعای ادعای متقابل ایجاد کند . رجوع شونده بخش ۵ زیر .

عدم اعتراض به صورت حسابی به مدت طولانی ، حداقل با اراشات عدم صحت حساب را بر دوش عمران تهران می گذارد . رجوع شونده : آر.جی. رینولدز توبسا کوکا مپنی و ایران ، حکم شماره ۳ - ۳۵ - ۱۴۵ (ششم اوت ۱۵/۱۹۸۴ مرداد ماه ۱۳۶۳). همانطور که در بالا بحث شد ، عمران تهران ادله و مدارک کافی در توجیه عدم اعتراض به تقاضاهای پرداخت مورد بحث ارائه نکرده است . با توجه به عدم حسابرسی که قرار بود در خاتمه کار صورت گیرد و با توجه به اوضاع و احوال مشروحه فوق ، مبلغ مندرج در تقاضاهای پرداخت را باید بعنوان رقم صحیح حق الزحمه واجب الادا به خواهانها بابت در صد تکمیل شده کار ، محسوب کرد . این مبلغ ، همراه با مبالغی که ذیلا در قسمت ۳ مورد بحث قرار گرفته ، خسارت نقض قراردادها محسوب می شود . لازم به تذکر است که گرچه قوانین کشورهای مختلف گاملا" بایکدیگر یکسان نیستند ، با اینحال نظرمایشی که مورد تائید این شعبه نیز هست ، آنست که فسخ قرارداد جبران خسارت را منتفی نمی سازد . موربین - کنودسن پاسیفیک لیمیتد و وزارت راه و ترابری ، حکم شماره ۳ - ۱۲۷ - ۱۴۳ (۱۳ ژوئیه ۲۲/۱۹۸۴ تیر ماه ۱۳۶۳) ، رجوع شونده : قانون

Treitel, "Remedies for Breach" ، بند ۲ ماده ۱۱۸۴ ، مدنی فرانسه ،  
of Contract" in VII International Encyclopedia of Compa-  
rative Law 145-47 (1976).

مبالغ واجب الادا به طور صحیح به دلار ذکر شده است . هر جا که به ریال اشاره شده ،  
نرخ تقریبی تبدیل ارز که در تاریخ سررسید وجوه ، رایج بوده ، به کار رفته است .  
گرچه در قراردادها شرط نشده که حق الزحمه ها به دلار پرداخت شود ، با این حال در  
قراردادها اصولاً " قید شده است که پرداختهای ریالی آزادانه به دلار قابل تبدیلند .<sup>(۶)</sup>  
اکثر تقاضاهای پرداخت و کلیه تقاضاهای آخری به دلار بوده و شواهدی حاکی از ایراد  
و اعتراض عمران تهران به این امر در دست نیست . بعلاوه ، هیچ مدرکی وجود ندارد  
که نشان دهد وجوه میبایستی در ایران نگهداری شده و به ایالات متحده منتقل نشود .  
مثل موارد دیگر ، دیوان از نرخ تبدیل رایج در زمان سررسید پرداختها استفاده  
میکنند . برای مثال ، رجوع شونده ، پریرا اسوشی ایتس و ایران ، حکم شماره  
۳ - ۱ - ۱۱۶ ، صفحه ۲۲ ( انگلیسی ) ( ۱۹ مارس ۲۸ / ۱۹۸۴ اسفندماه ۱۳۶۲ ) ، بلاونت  
برادرز کورپوریشن و وزارت مسکن و شهرسازی ، حکم شماره ۳ - ۶۲ - ۲۴ ، صفحه  
۱۷ - ۱۶ ( انگلیسی ) ( ۲ سپتامبر ۱۱ / ۱۹۸۳ شهریورماه ۱۳۶۲ ) .

خواهانها ، همچنین استدلال میکنند که تقاضاهای پرداخت نهائی شامل ۱۰ درصد  
تخفیف نسبت به پاره ای حق الزحمه ها بود که به ۳۳۲،۹۵۶ دلار به نفع عمـــــــران  
تهران بالغ میگردد . این ۱۰ درصد تخفیف طبق قراردادها ، در صورتیکه عمران  
تهران پرداختها را بموقع یعنی ظرف ده روز پس از پایان ماه مربوطه ایرانی  
انجام میداد ، تعلق میگرفت . خواهانها تخفیف مزبور را بر مبنای این فرض  
قائل شدند که بعضی حق الزحمه های واجب الادا بموقع پرداخت خواهد شد . این نکته که

---

(۶) محدودیتهای ارزی ایران قبل از آنکه موعده پرداخت حق الزحمه ها فرارسد ،  
اعلام نشده بود .



عمران تهران بسیاری از این پرداختها را اصولاً انجام نداد، مورد اختلاف نیست. با اینحال، مبالغ مزبور در تقاضاهای پرداختی که به نظر دیوان، عمران تهران دست کم به صورت ضمنی آنها را قبول داشت منعکس گردیده و علی رغم این واقعیت که پرداختها در مدت زمان لازم انجام نمیشد، مکرراً "در تقاضاهای پرداخت منعکس میگردید. بدین ترتیب، اکنون نباید تخفیفها پس گرفته شود. برای اسای دیوان ادعای خواهانها بابت مبلغ ۳۳۷،۹۵۶ دلار اردمی کند.

خواهانها، ادله و مدارک کافی در رابطه با سایر تخفیفهای غیرموجه مورد ادعا ارائه نداده اند، لذا ادعای مربوط به آنها نیز مسموع نیست.

عمران تهران، در مقام دفاع در برابر مبالغ مورد مطالبه در تقاضاهای پرداخت، اظهار می دارد که کار ناقص بوده، فرمول محاسبه حق الزحمه، بسیار گزاف و در صد کار انجام شده که حق الزحمه بر اساس آنها محاسبه می شد، نادرست بوده است. با اینکه بدلیل عدم اعتراض عمران تهران به این تقاضاهای پرداخت، بر اساس ادله و مدارک موجود، چنین مدافعاتی ولو در صورت اثبات نیز نمی تواند وارد باشد، با اینحال دیوان حقانیت یا عدم حقانیت این دفاعیات را مورد بحث قرار خواهد داد. مدافعه مبنی بر نقص در کار همراه با ادعاهای متقابلی که همین استدلال را مطرح ساخته ذیلاً" مورد بررسی قرار گرفته است رجوع شود به قسمت ۵ ذیل.

عمران تهران مدعی است که مجموع واقعی کار انجام شده حداکثر ۶۵ درصد کل کار بوده است. این مطلب را نماینده عمران تهران (که پس از انجام کار توسط پیمانکاران، به مدیریت عمران تهران منصوب شده است) مجدداً "در جلسه استماع عنوان کرد. نامبرده اظهار داشت که خواهانها پروژه را ناتمام گذاشته اند. مع هذا، ادله و مدارک پرونده دلالت بر این دارد که ارقام مربوط به درصد کار انجام شده که در هر تقاضای پرداخت ماهانه درج می شد توسط مدیر پروژه عمران تهران بر اساس اطلاعات دریافتی از پیمانکاران تهیه و به دقت گردآوری میگردید. برآوردهای

مندرج در تقاضاهای پرداخت کار انجام شده، مشخما " توسط آقای موروی ، آرشینکت عمران تهران در پروژه ، یا سایر مقامات عمران تهران ، تائید می گردید. عمران تهران گهگاه ایراداتی جزئی می گرفت ، اما هرگز به طور جدی برآوردهای در صد کار انجام شده را مورد اعتراض قرار نداده یا تغییر عمده ای در آنها نداد. در واقع ، آقای موروی شهادت داد که وی ارقام در صد تکمیل کار را بررسی و تائید می کرد و به یاد ندارد که هرگز آنها را تغییر داده باشد. گرچه ، وی احتمالاً در انجام برخی تغییرات دست داشته ، لکن این تغییرات عمده نبوده است .

خوانندگان ادعا می کنند که کل هزینه های برآوردی کار مربوط به مراحل مختلف در تقاضاهای پرداخت بعدی ، بدون هیچگونه توضیحی کاهش داده شده ، و بدین نحو ، درصد کار انجام شده ، بطور تصنعی بالا برده شده است . در رابطه با مرحله اول ، تقاضای پرداخت شماره ۳۲ حاوی توضیح است و هیچ دلیل و مدرکی مبنی بر ایراد به آن تقاضا یا ایرتقاضاهایی که حاوی چنین توضیحاتی است ، در دست نیست. خوانندگان به رقم برآورد هزینه کار در ضمیمه ۱ قرارداد مرحله یک (الف) استناد می کنند. همانطور که در تقاضای پرداخت شماره ۱ برای مرحله یک (الف) منعکس گردیده ، این رقم در قبال برخی تخفیفهایی که به عمران تهران داده شده تقلیل یافته است ، ظاهراً " در تقاضای پرداخت شماره ۷ در ماه مه ۱۹۷۷ باز هم کاهش داده شد. درباره ای از تقاضاهای پرداخت مرحله یک (الف) ، برآورد هزینه کار ظاهراً " فرق می کند (۹،۵۲۴،۹۳۷ دلار و ۹،۵۴۰،۴۲۵ دلار) لکن در اطلاعات منضم به آخرین تقاضا از رقم صحیح استفاده شده است . بر اساس بعضی از تقاضاهای پرداخت که حاکی است نصب پار تیشن می بایستی توسط عمران تهران انجام ، ولذا نمی بایست جزو حق الزحمه منظور شود ، بنظر می رسد که رقم پائین تر رقم صحیح باشد . چنانچه اقلام حذف شده از کل برآورد هزینه کار ، در برآوردها منظور می شد ، در آن صورت پیمانکاران می توانستند وجوه متعلقه را یا در هنگام تکمیل کار و یا با استناد به اینکه عدم انجام کار معلول اقدامات عمران تهران بوده

دریافت کنند. رجوع شونده زیر . علاوه بر این ، خواهانها کلیه تقاضاهای پرداخت ماهانه برای مراحل مختلف پروژه را ارائه نمودند و درمدهای تکمیل کار مندرج در این تقاضاها در مجموع نشان می‌دهد که پیشرفت کار آهنگ نسبتاً " منظم و مرتبی داشته است .

تقاضاهای پرداخت مرحله دو حاکی است که پیشرفت کار در محوطه پروژه تا ماههای مه و ژوئن ۱۹۷۸ آهنگ منظمی داشت . نیمی از کارکنان پیمانکاران در قسمتی از این مدت هنوز سر کار بودند و تقاضاهای پرداخت نمایانگر آنست که تقریباً " تمامی کار انجام شده در آن مدت منحصر " به ساختنهای مرحله دو مربوط می شده است بعلاوه تقاضای پرداخت ، حاوی اطلاعات و مدارک مؤید نیز هست .

در رابطه با تقاضای پرداخت نهایی مربوط به مرحله سه ، از آنجا که دیوان رای داده است که قرارداد لازم الاجرائی وجود نداشته ، لذا ارقام میبایستی بر مبنای ارزش واقعی کار برآورد شود . تاریخ آخرین تقاضای پرداخت مرحله سه ، ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ (چهارم اسفند ماه ۱۳۵۶) بوده است . تقاضای مذکور و مطالب موید حاکی است که تقاضا شامل کار انجام شده و ارزش آن کار " تا ۲۰ فوریه " (اول اسفند) است ، یعنی همان تاریخی که کارکنان اخراج شدند . هیچ ایراد خاصی به رقم مندرج در این تقاضا گرفته نشده است ، لذا دلیلی ندارد که فرض کنیم تقاضای مزبور ، میزان کار انجام شده را به نحو منصفانه ای منعکس نکرده است .

عمران تهران ، همچنین مدعی است که رقم ۸۰ دلار حق الزحمه منظور شده برای هر متر مربع کار انجام شده ، بنحو غیر قابل توجیهی بالاست ، حال آنکه ، رقم ۸۰ دلار برای هر متر مربع رقمی است که طرفین که هر دو به یک اندازه دست اندر کار و مطلع در امور تجاری بودند پس از مذاکره ، بر سر آن توافق کردند . و عمران تهران هرگز به تقاضاهای پرداختی که بر مبنای این رقم محاسبه شده بود ، اعتراض نکرد . خواندگان مدعی اند که تخفیفهای داده شده به عمران تهران و کاهش حق الزحمه ها در حکم تصدیق گزاف بودن

حق الزحمه ها است . حق الزحمه ها ، با توافق متقابل طرفین تعیین می شود و هیچگونه دلیل و مدرکی در مورد یکطرفه بودن قراردادها وجود ندارد . گاهی مطالب و تخفیفهای داده شده ، معلول توسعه پروژه بوده است .

خوانندگان با تاسه کیدیراینکه یکی از کارکنان عمران تهران ، در شرکت مادر یکی از پیمانکاران که سهام آن بطور عامه دستمیشود مبلغی کمتر از ۵۰۰ دلار سرمایه گذاری کرده بوده به تاسعیت خواهان ایراد می گیرند . دیوان داوری برای این ادعا ، حتی در صورت صحت ، ارزش و اعتباری قائل نیست .

مساله مهم اینکه ، عمران تهران حسابرسی نهائی مورد تقاضای پیمانکاران را انجام نداد تا با استفاده از آن فرصت ، هرگونه پرداخت اضافی یا صورت حساب اضافی را تعدیل و اصلاح کند . هرگز اخطار تخلف یا اخطار به مهم دیگری راجع به این قبیل شکایات نداد . بنابراین ، مدافعات مذکور با ادله و مدارک کافی همراه نیست .

بنابراین ، دیوان مدافعات عمران تهران را در مورد پرداخت مطالب مندرج در تقاضاهای پرداخت ، مردود شمرده و خواهانها را مستحق دریافت مبلغ ۲,۷۷۲,۶۷۰ دلار مندرج در تقاضاهای نهائی پرداخت ، بعنوان بخشی از مطالب واجب الادا طبق قراردادها و بابت کار مرحله سه ، می داند . خواهانها ، فقط از ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (هفتم تیرماه ۱۳۵۷) بهره مطالبه می کنند و بنظر این شعبه ، استحقاق دارند که بهره این مطالب را از همان تاریخ به نرخ مقرر ۸ درصد در سال در مورد مبلغ واجب الادا بابت تقاضاهای پرداخت مرحله یک ، و به نرخ عادلانه ۱۰ درصد در سال در مورد مطالب تادیه نشده سایر تقاضاهای پرداخت دریافت دارند . تقاضاهای پرداخت به روشنی نمایانگر آنست که مبلغ ۶۶۶,۰۰۰ دلار ، طبق موافقت نامه تخفیف اول اکتبر ۱۹۷۶ (نهم مهرماه ۱۳۵۵) به عمران تهران تخفیف داده شده است . اینکه مطالب دیگری نیز باید طبق این موافقت نامه تخفیف داده شود یا

یانه ، دربند ۳ زیر مورد بحث قرار گرفته است .

خواهانها ، اظهار می دارند که مبلغ واجب الادا باید افزایش داده شود ، زیرا که عامل هزینه به علت تورم در هزینه کارهای ساختمانی در ایران ، افزایش پیدا می کرد . دیوان داوری ، بر مبنای مطالب و مدارکی که به وی ارائه شده ، نمی تواند مبالغی را تعیین نماید که قابل انتساب به چنین تورمی باشد . از این رو ، خواهانها حق ندارند میزان خسارات را بر این مبنای افزایش دهند .

از آنجا که هیچگونه نشانه و قرینه ای مبنی بر مسئولیت مستقیم دولت ، سوای مسئولیت عمران تهران ، و نیز هیچ دلیل و مدرکی مبنی بر لزوم مسوول شناختن به دولت ایران ، در دست نیست ، لذا ، ادعاهای مطروح علیه دولت رد می شوند .

### ۳ - ادعاهای مربوط به مبالغ سیاه نشده (Non-Invoiced Amounts)

دیک و آندر هیل اظهار می دارند که توقف کار در پروژه اکباتان و فسخ قراردادها معلول تخلفات و قصوری بوده که عمران تهران در مورد قراردادها مرتکب شد . این تخلفات به شرح زیر است : تاخیر در پرداخت حق الزحمه ها ، خودداری از پرداخت حق الزحمه ها ، دستور غیر قانونی اخراج کارکنان خارجی ، عدم تامین نیروی کار لازم در محل ، عدم پرداخت حقوق کارگران بطور مرتب ، قصور در تاءمین پرسنل و تجهیزات و نقض تعهداتی که (خوانده) بموجب قراردادها داشته است . خواهانها استدلال می کنند که چون پرداختها بر مبنای در صد تکمیل پروژه صورت می گرفته ، در صورتی که عمران تهران مرتکب این تخلفات نمی شد ، پیمانکاران می توانستند تا تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) که طرفین موافقت کردند حسابها ایشان را تصفیه کنند ، مبلغ ۳،۳۲۱،۶۵۳ دلار بیشتر بدست آورند و با اضافه کردن این رقم

به مبالغ تقاضاهای پرداخت ، جمع کل خسارات نقض قراردادها بدست می آید .

ادله و مدارک تسلیمی خواهانها ثابت می کند که از نیمه دوم سال ۱۹۷۷ ، عمران تهران مکررا " از انجام پرداختهای مقرر طبق قرارداد به پیمانکاران ، سفارش تجهیزات توصیه شده و بیاتامین مواد و مصالح و کارکنان لازم خودداری ورزید ، در ۲۰ فوریه ۱۹۷۸ (اول اسفندماه ۱۳۵۶) نامبرده به پیمانکاران دستور داد تمامی کارکنان خارجی مرحله سه را اخراج کنند و در ۱۵ آوریل ۱۹۷۸ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۷) به پیمانکاران دستور داد ۵۰ درصد تمامی کارکنان را اخراج نمایند و مجموع این کارها باعث شد کار پروژه اکباتان در ماه مه ۱۹۷۸ ، تقریبا " متوقف شود . این اعمال نقض تعهداتی محسوب می شود که عمران تهران بموجب قراردادها داشته است ، البته به استثنای مرحله سه که طبق رای دیوان قراردادی در آن مورد وجود نداشته است .

براین اساس ، خواهانها حق دارند وجوهی را که در صورت عدم تخلف عمران تهران عایدشان می شد ، بعنوان بخشی از خساراتشان ، مطالبه نمایند . خواهانها هیچگونه مبلغی را که در صورت ادامه و تکمیل قراردادها و اجرای کامل آنها ، به دست می آوردند ، بعنوان عدم النفع مطالبه نمی کنند . در عوض ، ایشان فقط خواستار خسارت بابت تخلفات قراردادی عمران تهران از تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ۱۳۵۷) ، یعنی تاریخ توقف کار ، هستند . خواهانها استدلال می کنند که چنانچه عمران تهران ، با نقض تعهدات قراردادی اش ، باعث کندی کارونها یا " توقف آن نشده بود ، پروژه اکباتان در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) تا حدود زیادی به اتمام خود نزدیک شده بود . طبق اظهار خواهانها ، درصد کار انجام شده در هر یک از مراحل تا آن تاریخ ، بر مبنای تاریخهای تکمیل مقرر در قرارداد ، می بایستی به شرح زیر بوده باشد :

مرحله یک -	۱۰۰ درصد
مرحله یک (الف) -	۱۰۰ درصد
مرحله دو -	۷۷ درصد
مرحله سه -	۶۱/۲۲۵ درصد

اما بنا به اظهار خود ایشان در صدکاری که عملاً "انجام و عیناً" در تقاضاهای نهائی تسلیمی منعکس گردید، به شرح زیر است:

مرحله یک -	۹۸/۲ درصد
مرحله یک (الف) -	۹۲/۸ <sup>(۷)</sup> درصد
مرحله دو -	۳۵/۹ درصد
مرحله سه -	۳۱ درصد

در تعیین خسارات قابل انتساب به چنین تخلفات قراردادی، دیوان باید تعدادی عوامل را در نظر گیرد.

بر مبنای پیشرفت کار در گذشته، به نظر می آید که اگر به خاطر اقدامات عمران تهران نبود، جزئی کار باقیمانده مراحل یک و یک (الف)، تا ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) تکمیل می شد.

---

(۷) در رابطه با تقاضاهای پرداخت مرحله یک (الف) مدارکی وجود دارد مبنی بر اینکه مقداری از کار (نصب پارتیشن ها) قرار نبود در آنها منظور شود. و بفرض که قرار بود منظور شود، باز هم در صدکار تکمیل شده به ۹۱/۰۵ بالغ می شود. ساختمان روبنا و نمای پیش ساخته عملاً در مرحله یک (الف) به اتمام رسید.

در رابطه با مرحله سه ، پیمانکاران در فوریه ۱۹۷۸ "کلیه توافقاتی قراردادی، در مورد کار مرحله سه" را اعم از کتبی یا شفاهی" فسخ نمودند و دیوان نظرداده است که خواهانها فقط مستحق دریافت ارزش کاری که انجام داده اند، هستند.

در مورد مرحله دو مشکل بتوان با قطعیت گفت که مرحله مزبور، اگر به خاطر اعمال عمران تهران نبود، آنطور که خواهانها ادعا می کنند تا ۱۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۷) به میزان ۷۷ درصد تکمیل می شد.

محاسبات خواهانها راجع به اینکه تا تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) چه مقدار حق الزحمه عایدشان می شد اختلاف دارد و کاملاً صحیح به نظر نمی رسد. در کجا ایشان باین اظهار که رقم مورد ادعا حداقل مبلغی است که طلبکارند، ظاهراً "عدم قطعیت ارقامشان را تصدیق می کنند مشکل است که بتوان با هر درجه ای از صحت، زمان اتمام یا در صد کار انجام شده در هر مرحله خاص را بر آورد کرد. در هر قراردادی به وسعت قراردادهای مورد بحث در پرونده حاضر، تاخیر امر غیر منتظره ای نیست. فی الواقع، در خود قراردادهای پیش بینی شده است که در صورت بروز حوادث خاص، ولو اینکه اینگونه حوادث تقصیر عمران تهران باشد، مهلت های مقرر تمدید گردد. مدارکی وجود دارد مبنی بر اینکه گهگاه کارهای اصلاحی لازم بوده است و این خود بر آهنگ تکمیل کار تاخیر می گذاشت. بدینسان، در تعیین درصد تکمیل کار در تاریخ خاصی صرف نظر از تخلفات عمران تهران، فقط بایستی علل عمده تاخیرهایی که عمران تهران برخلاف وظایف و تکالیف قراردادی اش مسبب آن بوده، مورد بررسی قرار گیرد.

بعلاوه، در هر نوع محاسبه حق الزحمه مورد استحقاق باید مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار تخفیف اعطائی به عمران تهران بابت وجوه استحقاقی مراحل اول و دوم پس از اکتبر ۱۹۷۶، به نسبت درصد تقریبی کاری که به تشخیص دیوان می بایست انجام شده باشد، به ایستگاه حساب عمران تهران منظور شود و تخصیص این مبلغ ظاهراً "با قصد طرفین



قرارداد تخفیف نیز تطبیق می‌کند . و چنانچه درصد کار تکمیل شده تقلیل یابد ، میزان تخفیف نیز لازمست بهمان نسبت کاهش داده شود .

خواهانها کل مبلغ مورد مطالبه در این قسمت از ادعایشان را طوری مطرح می‌کنند که گوئی در صورت ادامه اجرای کار تا ژوئن ۱۹۷۸ ، هیچگونه هزینه اضافی ایجاد نمی‌شد . خواهانها " احتمالاً " جزئی هزینه اضافی متحمل می‌شدند ، چراکه وظایف آنان جنبه نظارت داشت و پرسنل ایشان در قسمت اعظم مدتی که عمران تهران تعهداتش را نقض می‌نمود در محوطه کار حضور داشتند .

عمران تهران در اواخر سال ۱۹۷۷ یا ۱۹۷۸ وجهی به پیمانکاران نپرداخت . بنابراین ، بنظر می‌رسد که عمران تهران با پاره‌ای مشکلات مالی مواجه بود . این مطلب اظهارات خواهانها را دایر بر اینکه عمران تهران به مسئولیتهای خود در رابطه با پرسنل و تجهیزات عمل نمی‌کرد ، تأیید می‌کند . فی الواقع ، دستور اخراج قسمتی از کارکنان از پروژه ، نقض آشکار تعهدات قراردادی عمران تهران محسوب می‌شود . بدینسان ، روشن است که درصد تکمیل کار مرحله دو پروژه تا ژوئن ۱۹۷۸ نسبت به مقداریکه ( عملاً ) تمام یافته بود ، بیشتر می‌بود . با توجه به کلیه این عوامل دیوان دآوری نمی‌تواند حداقل از نظر تعیین خسارت به هر مقدار قطعیت بپذیرد که درصد تکمیل کار مرحله دو در ژوئن ۱۹۷۸ می‌توانسته خیلی بیش از پنجاه درصد ( ۵۰ درصد ) باشد این نظر بدان معنی نیست که چنین نمی‌شد . دیوان درصد تکمیل کار مرحله دو را در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ ( ۲۷ خرداد ۱۳۵۷ ) قدری بیش از پنجاه ( ۵۰ ) درصد ، و کار مراحل یک و یک ( الف ) را صد درصد برآورد می‌کند . دیوان ، همچنین درصد تقریبی تخفیفی را که باید نسبت به پرداختهای واجب الادا تا ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ ( ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷ ) داده می‌شد ، و نیز مالیاتهای را که باید کسر می‌گردید ، در محاسبات خود منظور می‌کند . با در نظر گرفتن این عوامل و سایر اوضاع و احوال ، دیوان مبلغ ۷۹۵،۰۰۰ دلار به عنوان خالص مبلغ برآوردی ، بسبب حق الزحمه‌ای که در صورت عدم تخلف عمران تهران از قرارداد ، تا ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ ( ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۷ ) عاید پیمانکاران می‌شد ، حکم می‌دهد ( این مبلغ در تقاضاهای پرداخت مذکور در فوق منعکس نیست ) و باید به خسارات مبتنی بر چنین تخلفاتی

افزوده شود. خواهانها استحقاق دارند که بابت مبلغ ۱۴۰،۰۰۰ دلار که بطور تقریبی حق الزحمه مربوط به کار مرحله یک محسوب می شود، بهره ای به نرخ ۸ درصد در سال از ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (هفتم تیرماه ۱۳۵۷) و بابت بخش باقیمانده، بهره ای به نرخ عادلانه ده درصد در سال از تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (هفتم تیرماه ۱۳۵۷)، دریافت نمایند.

#### ۴ - ادعا بابت کارهای اضافی انجام شده

خواهانها ادعا می کنند که، علاوه بر کار انجام شده بابت قراردادهای چهارگانه، پیمانکاران به درخواست عمران تهران مقادیری کار اضافی شامل ساختمان پلکان بیرونی برای استفاده در موارد حریق، اطاقهای اصلی و فرعی تاسیسات مکانیکی و مخازن آب، انجام دادند. خواهانها مدعی اند که دفاتر مدارک عمران تهران نمی تواند هزینه های واقعی کار اضافی را که انجام داده اند، نشان دهد، لکن این مدارک در اختیار ایشان قرار داده نشده است. بنابراین، خواهانها، ناگزیر بوده اند هزینه در صد کار اضافی تکمیل شده و میزان حق الزحمه متعلقه پیمانکاران تا هنگام توقف کار را، بصورت برآوردی تعیین نمایند.

خواهانها برآورد کرده اند که کل هزینه کار اضافی، در صورتی که تماما " اجرا می شد به ۸،۷۹۸،۰۵۷ دلار بالغ می گردید که از این مبلغ، حدود ۴،۰۰۰،۰۰۰ دلار ارزش کاری است که انجام شده است. از این مبلغ، ایشان رقم ۳۰۰،۰۰۰ دلار به عنوان حق الزحمه پیمانکاران استخراج کرده اند. این رقم ظاهرا " در جلسه ای که در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (۷ تیرماه ۱۳۵۷) برگزار شد، به اطلاع نماینده عمران تهران رسید. لکن، خواهانها نتوانسته اند جلسات خاصی را که با عمران تهران راجع به چنین کار اضافی داشته اند، ذکر کنند و در عین حال نتوانسته اند هیچگونه

یادداشتی مقارن آن ایام که حاکی از توافق در مورد چنین کاری یا حاکی از اجرای آن باشد، ارائه نمایند. دیوان نتیجه می‌گیرد که مدارک جهت توجیه حکم خسارت در رابطه با ادعای انجام کار اضافی، کافی نیست.

#### ۵ - ادعای متقابل عمران تهران

عمران تهران ادعای متقابلی جهت استرداد حق الزحمه‌های پرداختی و سایر پرداختها، خسارات ناشی از نقایص موجود در کار، پرداخت ضمانت حسن انجام کار، وجه التزام بابت تاخیر در تکمیل مرحله یک و استرداد برخی اسناد و مدارک عمران تهران، مطرح ساخته است.

#### یک - ادعای متقابل بابت استرداد حق الزحمه‌ها

ادعای متقابل عمران تهران مبتنی بر همان اظهاراتی است که نامبرده ضمن دفاع راجع به پرداخت حق الزحمه اضافی عنوان کرده است. این مطالب در رابطه با مساله اجرای قراردادها مورد بحث واقع شد. استنتاجاتی که دیوان بر آن اساس، دفاع عمران تهران را مردود دانست، موجب می‌شود که دیوان ادعای متقابل عمران تهران مبنی بر استرداد حق الزحمه‌های پرداختی به پیمانکاران را نیز مردود شناسد.

#### دو - ادعای متقابل بابت استرداد سایر پرداختها

خوانندگان اظهار می‌دارند که وجوه متعددی به پیمانکاران پرداخت گردیده که در محاسبه منظور نشده است. آنان فهرست وار به مبالغی اشاره می‌کنند که حسب ادعا بابت هزینه‌های پیمانکاران یا پرسنل ایشان پرداخت شده است.

حسابداران عمران تهران مدارک کافی در تائید این نظر که عمران تهران مستحق استرداد مبالغی است که سوی حق الزحمه ها به پیمانکاران پرداخت شده، ارائه نمیکنند. مدارک تسلیمی توسط حسابداران عمران تهران فاقد ارقام و اطلاعات موید کافی بوده، و ناقص است. طبق بند ۶ قرارداد مرحله یک، قرار بود هزینه های راه اندازی و تجهیز توسط عمران تهران پرداخت شود، گویا که عمران تهران مبالغی بابت این قبیل هزینه ها به پیمانکاران پرداخت. در تعریف "هزینه کار" آمده است که "اقلام زیر جزئی از هزینه کار خواهد بود که توسط عمران تهران پرداخت خواهد شد": هزینه های انتقال خانواده کارکنان و هزینه زندگی کارگران و کارکنان خارجی، هزینه ها و مخارج مدیران اجرائی پیمانکاران که بطور ادواری کار را سرپرستی و بازرسی می کنند. علاوه بر این، پیمانکاران حق داشتند، در مواردی از جمله استخدام پرسنل جهت خودشان در ارتباط با کار پروژه از جانب عمران تهران قرارداد ببندند. از اسناد و مدارک تسلیمی حسابداران عمران تهران، نمیتوان تشخیص داد که آیا پرداختهای مورد ادعا بابت هزینه های بوده که میبایستی عمران تهران متحمل می شده یا کس دیگری. مدارک کافی راجع به اینکه مبالغ مزبور هزینه های قابل استرداد بوده، موجود نیست و مدرکی نیست که نشان دهد عمران تهران هرگز در گذشته این مبالغ را که برخی از آنها به سال ۱۹۷۵ مربوط می شود، مطالبه کرده باشد.

عمران تهران استدلال می کند که وی هرگز صورت حسابی بابت هزینه های که جهت راه اندازی و تجهیز به پیمانکاران پرداخته، دریافت نکرده است. قرار بود "پس از سه ماه" حسابرسی انجام شود و ظاهراً این کار میبایستی در سال ۱۹۷۵ یا ۱۹۷۶ انجام می شد. از سوابق موجود نمیتوان تشخیص داد که این چنین حسابرسی اصولاً انجام شده است یا نه. در واقع، بنظر نمی رسد که عمران تهران هیچگونه تقاضای صورت حساب یا حسابرسی در مورد هزینه های

راه اندازی و تجهیز کرده باشد. هیچگونه مدرکی که نشان دهد که اصولاً و بسا چه مقدار از هزینه های راه اندازی و تجهیز بایده عمران تهران پرداخت شود، در دست نیست. برای این اساس، مدارک کافی در تائید ادعای متقابل عمران تهران در رابطه با هرگونه هزینه راه اندازی و تجهیز که ممکن است به وی واجب الادا باشد، در دست نیست. لذا، ادعای متقابل مزبور مسموع نمی باشد.

### سه - ادعای متقابل در مورد نقائص ادعائی در اجرای کار

عمران تهران طی مدافعاتش در دیوان، اعم از کتبی یا شفاهی، مدعی شده است که خدمات انجام شده توسط خواهانها نواقصی داشته است. مدارک زیادی هست دال بر اینکه طرفین به دفعات در محوطه کار با یکدیگر دیدار می کردند. گر چه مکاتباتی در مورد "اقدامات اصلاحی" که ظاهراً "می بایست توسط پیمانکاران صورت گیرد، موجود است، با اینحال قرائنی نیست که نشان دهد این اقدامات اصلاحی صورت نگرفته است. همانطور که در بالا گفته شد، عمران تهران نتوانسته است مدرکی ارائه دهد دال بر اینکه قبل از طرح موضوع فسخ موافقت نامه ها در آوریل ۱۹۷۸ توسط پیمانکاران به نقائص ادعائی در انجام کار، در همان تاریخ اعتراض کرده باشد.

با ایدخاطر نشان ساخت که وظیفه پیمانکاران ارائه خدمات نظارتی و مشورتی و عرضد مشاوره و دانش فنی بود. این خدمات می بایست در مورد پی ها، روبناها، نماهای ستونی، پارتیشنها و خروجی کابلها و لوله ها ارائه می شد. عمران تهران نیز مسئول تاء مین کارگر و تجهیزات، پیمانکاران فرعی و کلیه کارهای دیگر بود. عمران تهران عکس ها ئی ارائه نموده که مدعی است به پروژه اکتا تا ن مربوط می شود. لیکن این عکس ها به هیچ وجه از نظر سندیت گواهی نشده اند. هیچ مدرکی حاکی

از اینکه چه کسی عکسها را گرفته ، چه کسی یا چه کسانی در مورد هر یک از عکسها اظهار نظر کرده یا کرده اند ، وجد تخمینی دارند ، کارها شی که از آنها عکس برداری شده چه موقع و توسط چه کسی انجام گرفته عکس ها در چه تاریخ و کدام محل گرفته شده اند و یا چند کسی مسئول معایب و نواقص ادعائی است که در معاویر نشان داده شده به دیوان ارائه نشده است . در واقع ، مدارکی هست حاکی از اینکه پیمانکاران بطور مشخص به عمران تهران اطلاع دادند که نمی توانند مسئولیت کار برخی پیمانکاران فرعی را که توسط عمران تهران استخدام شده بودند (فی المثل بتوزیری های آسیبی) بپذیرند . یکی از نمایندگان عمران تهران در جلسه استماع اظهار داشت که عکسها ، اخیراً " برداشته شده است . این اظهار ، در مورد ارزش عکسها بعنوان مدرک وضعیت (کار) در زمان توقف عملیات پیمانکاران در سال ۱۹۷۸ ، تولید شک و تردید جدی می نماید . هیچگونه نشانه و قرینه ای در دست نیست که نواقص نشان داده شده در عکسها قابل انتساب به کار هیچیک از پیمانکاران باشد . بنا بر این ، برای عکسها از نظر قابلیت استناد ، ارزش چندانی نمی توان قایل شد . این مطلب بویژه از این نظر مادی است که مدارک خواهانها حاکیست که نواقص ادعائی ، یا قابل انتساب به سایر پیمانکارانی است که جهت انجام کار استخدام شده بودند و یا نواقصی است که در واقع کشف و معلوم شد که آنچنان نسبت که بتوان آنها را غیر عادی و یا مفایر با مشخصات دانست .

علاوه بر این ، دیوان نمی تواند هیچیک از دو گزارش تسلیمی عمران تهران (گزارش اس . جی . اس و گزارش آقای عطرجیان) را بعنوان مدرک نافی این واقعیت تلقی کند که پیمانکاران آنچه را که طبق قراردادها ملزم به آن بودند اما " انجام دادند و کیفیت کار ایشان در هنگام انجام کار در پروژه هرگز بطور جدی مورد ایراد عمران تهران واقع نشد . هیچیک از گزارشها تاریخ ندارد ، گرچه نام اس . جی . اس کد به " " تسلیم گردیده ، حاکیست که گزارش سازمان مذکور در فاصله اوت و نوامبر ۱۹۷۸ تهیه شده است . هر دو گزارش حاوی اظهار نظر راجع به وضعیت آنها

بر مبنای بازرسی‌هایی است که برای دیوان معلوم نیست تحت چه شرایطی انجام شده است. تخریب تهیه‌کنندگان گزارش اعلام نشده است. گزارش عطرجیان در پی تقاضای از وزارت دادگستری، طبق رویه‌ای که به "تامین دلیل" موسوم است، تهیه گردیده است. در ماده ۳۲۲ آئین دادرسی مدنی ایران، در مورد این رویه ذکر شده است: "تامین دلیل برای حفظ آنت و به هیچ وجه دلالت نمی‌کند بر اینکه دلیلی که تامین شده معتبر و... مدرک ادعا... خواهد بود". منظور از گزارش اس‌جی اس بطوریکه اعلام شده از جمله این بوده است که با گردآوری مدارکی در مورد "عدم اجرای تعهد، پرداخت حق الزحمه اضافی... یا سوء نظارت، ادعای متقابلی علیه استارت تهیه شود".

خواهانها در جوابیه خود به ادعاهای متقابل، تقاضا کردند که آقای عطرجیان و تهیه‌کننده گزارش اس‌جی اس، جهت تحقیق شفاهی توسط خواهانها، در جلسه استماع حضور بهرمانند. لکن، هیچک از تهیه‌کنندگان گزارشها، جهت دفاع از گزارش خود و ارائه توضیحات بیشتر در جلسه استماع پرونده حاضر نشدند. گزارش اس‌جی اس اس‌اسا "حاوی نتیجه‌گیری‌هایی است. نویسنده آن حتی اشاره می‌کند که عمران تهران فاقد مدارک کافی جهت اثبات تقصیر پیمانکاران در یک رسیدگی قضائی است. بهمین نحو، پیشنهادی که آخرین پیمانکار مسئول تهیه نمای پیش‌ماخته در سال ۱۹۷۶ تهیه کرده، حاوی ادله و مدارک کافی راجع به نقایص کار پیمانکاران نیست. این سند، عمدتاً "بصورت پیشنهادی است در مورد خدماتی که پیمانکار می‌بایست انجام دهد. در آنجا نیز اشاره به نواقص، حتی در صورت محتمل، شخص مسئول نواقص را مشخص نمی‌کند. پیمانکار مورد بحث گزارشی تسلیم نموده مبنی بر اینکه وی سرخی نواقص ادعائی را بر طرف ساخته است. اکثر اظهار نظرهای پیمانکار یاد شده، شرح استنتاجاتی است در باره تخریب ادعائی پیمانکاران مختلف و لذا چندان دلیل و مدرکی راجع به موضوع ارائه نمی‌کند.

مطالب تسلیمی خوانندگان ثابت نمی‌کنند که هیچیک از نواقص موجود قابل انتساب به قصور پیمانکاران در انجام خدماتی باشد که بالاخص بعنوان ناظر و مشاور انجام می‌دادند.

خواهانها ادله و مدارک مشروح و مفصلی در مورد کارهایی که بموجب قراردادها در پروژه انجام دادند، ارائه نموده‌اند که در همان ایام تهیه شده و حاکی است که کار آنها ناقص نبوده است. اظهارات کارکنان ارشد سابق عمران تهران (که مستقل از خواهانها بوده‌اند) بر کار خواهانها صحه می‌گذارد. آقای مدهومتا، سرمهندس سازه (Chief on-site Structural Engineer)

عمران تهران در پروژه، درسوگندنا مه خود اظهار نموده است :

من در ژوئیه ۱۹۷۷ ... به عنوان مهندس پروژه و رئیس اداره بازرسی سازمان عمران تهران، کارم را مستقیماً "برای سازمان نامبرده آغاز نمودم. اداره بازرسی عمران تهران تحت سرپرستی من مسئولیت بازرسی و آزمایش تمامی پروژه‌ها کباتان را به عهده داشت. از اینرو، من ۲۳ نفر مهندس و تکنسین استخدام کردم. در نتیجه آزمایشها و بازرسیهای فوق‌الذکر وظایف دیگری که من در محوطه پروژه انجام می‌دادم، من از نزدیک، سرعت، کیفیت و آهنگ کاری را که زیر نظر پیمانکاران و با کمک ایشان انجام می‌شد، زیر نظر داشتم. امکان نداشت هیچگونه عیب و نقص عمده‌ای در کار باشد که توسط اداره تحت سرپرستی من کشف نشود. در مدت تصدی من به عنوان مهندس سازه پروژه، هرگز مساله عمده‌ای در مورد کیفیت یا سرعت کاری که تحت نظارت پیمانکاران انجام می‌گردید، بوجود نیامد. همانطور که در هر پروژه ساختمانی عظیم معمول است، تفاوت‌های جزئی و نواقصی مشاهده می‌شد که بطور عادی ترمیم می‌گردید. ... لیکن هرگز شکایات عمده‌ای در مورد کیفیت کار توسط عمران تهران به عمل نیامد.

آقای مهتا، که وظیفه اصلی‌اش بازرسی و اصلاح ساختمان پی هادر جریان کار بود، طی اظهاراتش در جلسه استماع تأیید کرد که هرگونه کار اصلاحی لازم به



فوریت انجام می‌گرفته ، و علی‌رغم ارتباط نزدیک بین عمران تهران و پیمانکاران وی هرگز اطلاعی مبنی بر هرگونه عیب و نقص جدی در کار ، از عمران تهران دریافت نکرد .

همچنین ، آقای جوزف وی . موروک ، سرآرشیستک عمران تهران در پروژه که برای ادای شهادت شفاهی احضار گردید ، طی شهادتی که به قید سوگند دادا کرد ، چنین گفت :

سوال : در طول این مدت ، آیا هرگز کسی به شما اطلاع داد که دیک - آندرهیل وظایف و مسئولیت‌هایش را بطور صحیح انجام نمی‌دهد؟

جواب : خیر . کلاً " می‌توانم بگویم که خیر . البته مسائل جزئی که در مورد هر پروژه‌ای به این وسعت پیش می‌آید ، وجود داشت . اما اینها امور عادی قراردادی بودند ، مثلاً " اینکه یک بلوک بتونی در جای خود نصب نشده ، یا ستونی کج کار گذاشته شده ، و از این قبیل ... و مادر جریان کار از این امور آگاه می‌شدیم و خواه با تعویض بلوک مربوط با تراشیدن آن ، و یا به هر نحوه آنها را برطرف می‌کردیم . این قبیل مسائل به درجات مختلف در هر نوع کار ساختمانی پیش می‌آید .

سوال : آیا بر مبنای اطلاعات شخصی که به عنوان سرآرشیستک عمران تهران کسب کرده‌اید ، در این مورد که دیک - آندرهیل تعهدات قراردادی‌شان را بطور صحیح انجام دادند یا خیر ، ... چه نظری دارید؟

جواب : به نظر من انجام دادند . . . . .

همانطور که در بالا ملاحظه شد ، در رابطه با نواقص ادعایی در اجرای کار ، تا آوریل ۱۹۷۸ ، که پیمانکاران ادعا کردند که عمران تهران از تعهدات خود تخلف کرده

وصحبت از فسخ قرارداد به میان آوردند، عمران تهران ذکری از هیچگونه نواقص ادعائی نکرده بود. این ادعا مدتها پس از آنکه کار در جریان بود و تمام شد، مطرح شد. نمایندگان عمران تهران و پیمانکاران سالهای متعددی در محوطه پروژه با هم ملاقات می‌کردند. ساختمانها در حال اتمام بود. با اینحال هیچگونه مدرکی راجع به اینکه در آن مدت به این نواقص ادعائی اشاره‌ای شده باشد، وجود ندارد.

عدم اعتراض بموقع به نواقص ادعائی در کار پیمانکاران، در مورد وجود چنین نواقصی شک و تردید جدی ایجاد می‌کند. بعلاوه، عمران تهران هرگز جهت فسخ قراردادها، اطلاعیه تخطی که طبق قراردادها لازم بوده، به پیمانکاران نداد تا پیمانکاران فرصت اصلاح چنین تخطیاتی را داشته باشند.

قرائن و امارات دیگری نیز وجود دارد که ادله و مدارک تسلیمی خواهانها را تأیید می‌کند. عمران تهران، بدون هیچگونه تعهد قراردادی، ۱۵ ماه پس از شروع کار مرحله یک، یعنی مدتها پس از آنکه هرگونه نواقص عمده‌ای، به فرض وجود، می‌بایست کشف شده باشد، متوالیا "قراردادهائی برای مراحل یک (الف) و دو، با پیمانکاران منعقد نمود. این امر حاکی از آنست که حداقل تا سپتامبر ۱۹۷۷، عمران تهران از طرز کار پیمانکاران ناراضی نبوده است. موبد این مطلب، این واقعیت است که پیش از توقف پرداختها در سال ۱۹۷۷، عمران تهران ۸۰ درصد حق الزحمه‌های بالقوه برای مرحله یک را به خواهانها پرداخته بود. (۸)

هر مقدار کار اصلاحی دیگری که احتمالاً در حیطه مسئولیت خواهانها بوده قبلاً

---

(۸) در یک آگهی تبلیغاتی که توسط عمران تهران در شماره مورخ دهم فوریه ۱۹۷۸ مجله تایم چاپ شده از موفقیت پروژه‌ها با تمجید و تحسین یاد شده و به "تلفیق شریبخش مفاهیم شهرسازی ایرانی با دانش ساختمانی آسا" آمریکائی" اشاره شده است. در این آگهی، عمران تهران اظهار نموده که "پروژه خانه‌سازی اکباتان با تهیه یک واحد مسکونی در هر ساعت از شبانه‌روز ظرف سال گذشته، با "پائینترین هزینه برای هر متر مربع خانه مرغوب جهت استفاده در کشور رکوردها را شکسته و در ایران منحصر بفرد است".

در محاسبه خسارات درپاراگراف ۳ بالا ، توسط دیوان ، منظور گردیده است . دیوان پس از سنجش کلیه ادله و مدارک نتیجه می‌گیرد که کار پیمانکاران آنچنان معیوب نبوده که نقض قرارداد محسوب شود و عمران تهران را مستحق دریافت خسارات مازد . بنابراین ، ادعای متقابل حاضر رد می‌شود .

#### چهار - ادعای متقابل جهت پرداخت ضمانت حسن انجام کار

ادعای عمران تهران بابت ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار ضمانت حسن انجام کار ، ادعای متقابلی مطرح کرده است که کلاً "مغایر با مدرکی است که به موجب آن زمان یاد شده در نامه‌ای به تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۵ (۲۵ آبان ماه ۱۳۵۴) ، ضمانت نامه مذکور را بعنوان بخشی از توافق راجع به پارهای اصلاحات در قرارداد در مرحله یک و بمنظور بهبود جریان کار و مواد و مصالح به محوطه پروژه ، فسخ کرد . لذا ، این ادعای متقابل رد می‌شود .

#### پنج - ادعای متقابل بابت وجه التزام

قرارداد مرحله یک حاوی قیدی است راجع به ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار خسارت وجه التزام که مقرر می‌دارد درصدی از آن مبلغ بر مبنای تاخیرهایی که در انجام کار پیش می‌آید به عمران تهران پرداخت شود . عمران تهران مدعی است که کار مرحله یک بموقع انجام نشده است . مدارک موجود حاکیست که کلیه کارهای مقرر برای مرحله یک ، غیر از بخش مربوط به نمای پیش ساخته ، بموقع انجام شده است . مدارکی هست که نشان می‌دهد این تاخیر قابل انتساب به پیمانکار خود عمران تهران بوده و لذا ، بموجب قرارداد ، پیمانکاران

از عدم انجام بموقع کار معذور و مبری هستند. مدارک کافی در تائید این ادعای متقابل در دست نیست. علیهذا، ادعای متقابل مزبور باید مردود شناخته شود.

#### ش - ادعای متقابل جهت استرداد اسناد و مدارک

هیچگونه دلیل و مدرکی دال بر اینکه هریک از پیمانکاران هیچیک از اسناد و مدارک عمران تهران را در اختیار داشته باشند، موجود نیست. از اینرو، دیوان نمیتواند در مورد این ادعای متقابل، حکمی به نفع خواهان بدهد.

#### ۶ - هزینه‌ها

خواهانها استحقاق دارند هزینه‌های خویش در جریان داوری حاضر و نیز مبلغ منمفانه ای بابت حق الوکاله دریافت نمایند که میزان آن (کلا) ۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا تعیین می شود. با توجه به مراتب پیش گفته،

دیوان داوری حکم زیر را صادر می کند:

ادعاهای مطروح علیه دولت جمهوری اسلامی ایران رد می شوند.

ادعاهای متقابل مردود شناخته می شوند.

خواننده، شرکت نوسازی و عمران تهران متعهد است، و باید کلا مبلغ ۳،۵۶۷،۶۷۰ دلار آمریکا بعلاوه بهره ساده نسبت به مبلغ ۷۹۶،۶۸۸ دلار آمریکا به نرخ هشت درصد (۸ درصد) در سال (۳۶۵ روز) و بهره ساده نسبت به مبلغ ۲،۷۷۰،۹۸۲ دلار آمریکا به نرخ ده درصد (۱۰ درصد) در سال (۳۶۵ روز)، از تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ (هفتم تیرماه ۱۳۵۷) تا

تاریخی که کارگزارانی دستورپرداخت حکم را از حساب تضمینی به بانک امین می دهد، به اضافه مبلغ ۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه های داوری ، مشترکا " به خواهانها دیک آو دله ور اینکورپوریتدو آندرهیل آو دله ور اینکورپوریتدو، بپردازد.

مبالغ مزبور باید از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، پرداخت گردد. بدینوسیله حکم حاضر، جهت ابلاغ به کارگزارانی به ریاست دیوان تسلیم می گردد.

لاسه ، بتاريخ ۲۶ آوریل ۱۹۸۵ برابر با ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴



نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

بنا م خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



ریچارد ام. ماسک